



LESSON 1 Sense of Appreciation

کالبدشکافی جمله‌های معلوم و مجهول (Active & passive)

جمله معلوم، جمله‌ای است که فاعل آن مشخص است. مثل این جمله:
آن‌ها این خانه را در سال ۱۹۷۰ ساختند. (معلوم)

فاعل

جمله مجهول، جمله‌ای است که فاعل یا انجام‌دهنده کار آن نامشخص است. البته بهتر است بدانید در زبان انگلیسی فاعل می‌تواند در برخی مواقع آخر جمله هم بیاید. به جمله مجهول زیر توجه کنید:
این خانه در سال ۱۹۷۰ ساخته شده است. (مجهول)
حالا معادل انگلیسی جمله‌های بالا را هم ببینیم:

✓ They built this house in 1970. (Active) → آن‌ها این خانه را در سال ۱۹۷۰ ساختند.

✓ This house was built in 1970. (Passive) → این خانه در سال ۱۹۷۰ ساخته شده است.

مراحل ساخت جمله مجهول در زبان انگلیسی

با ساختار جمله ساده در زبان انگلیسی آشنا شدیم. می‌دانید که جمله ساده طبق ساختار زیر ساخته می‌شود:
(زمان، مکان، حالت) قید + مفعول + فعل + فاعل

جمله زیر را مجهول می‌کنیم:

✓ John broke the window.
فاعل فعل مفعول

John انجام‌دهنده کار است و اول جمله آمده؛ بنابراین فاعل جمله است. برای مجهول کردن این جمله John را حذف می‌کنیم و مفعول را به اول جمله می‌آوریم. نکته مهمی که در اینجا وجود دارد تغییر شکل ظاهری فعل broke است که زمان گذشته ساده را نشان می‌دهد. با توجه به این توضیحات بیا باید یک جمله مجهول بسازیم:
مرحله اول، حذف فاعل:

✓ ~~John~~ broke the window.

مرحله دوم، آوردن مفعول به اول جمله:

✓ The window broke.

مرحله سوم و خیلی مهم تغییر شکل ظاهری فعل broke:

✓ The window was broken. → پنجره شکسته شد.

TIP

برای جمله‌های مجهول قبل از فعل اصلی مثل broke باید با توجه به زمان فعل، یک فعل to be مناسب آورده شود. در جمله بالا چون broke گذشته ساده است و the window هم مفرد است، پس قبل از آن فعل کمکی was می‌آید.

✓ The window was broken. → پنجره شکسته شده.

TIP

می‌توانیم John را هم در جمله بیاوریم، البته همراه by در آخر جمله:

✓ The window was broken by John. → پنجره توسط جان شکسته شد.

فعل‌های «To be» به شکل‌های زیر می‌آیند:

شکل‌های فعل «to be»	زمان
am, is, are	حال ساده
was, were	گذشته ساده
being	حال استمراری - گذشته استمراری
be	افعال کمکی وجهی و آینده
been	ماضی نقلی و ماضی بعید

ساختار مجهول زمان حال ساده

ساختار جمله مجهول در زمان حال ساده به قرار زیر است:

To be (am, is, are) + P.P.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

✓ I clean my room every week. (معلوم) → هر هفته اتاقم را تمیز می‌کنم.

✓ My room is cleaned every week. (مجهول) → اتاقم هر هفته تمیز می‌شود.

در جمله‌های مجهول هر سه حالت خبری، منفی و سؤالی را داریم که در مثال‌های زیر با آن‌ها آشنا می‌شویم.

حالت خبری (Affirmative)

✓ I study English every day. (معلوم) → هر روز انگلیسی مطالعه می‌کنم.

✓ English is studied every day. (مجهول) → هر روز انگلیسی مطالعه می‌شود.

حالت منفی (Negative)

✓ I don't study English every day. (معلوم) → هر روز انگلیسی مطالعه نمی‌کنم.

✓ English is not studied every day. (مجهول) → هر روز انگلیسی مطالعه نمی‌شود.

حالت سؤالی (Question)

✓ Do you study English every day? (معلوم) → آیا هر روز انگلیسی مطالعه می‌کنید؟

✓ Is English studied every day? (مجهول) → آیا هر روز انگلیسی مطالعه می‌شود؟



EXERCISE

جمله‌های زیر را مجهول کنید:

1 I clean the house every day.

2 He doesn't make butter from milk.

3 Do you play football every day?

پاسخ‌نامه

1 The house is cleaned every day. → خانه هر روز تمیز می‌شود.

2 Butter isn't made from milk. → کره از شیر درست نمی‌شود.

3 Is football played every day? → آیا هر روز فوتبال بازی می‌شود؟

ساختار مجهول زمان گذشته ساده

ساختار جمله مجهول زمان گذشته ساده به قرار زیر است:

To be (was, were) + p.p.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

✓ He stole a lot of money yesterday. (معلوم) → او دیروز مقدار زیادی پول دزدید.

✓ A lot of money was stolen yesterday. (مجهول) → دیروز مقدار زیادی پول دزدیده شد.

حالت خبری (Affirmative)

✓ John painted the room. (معلوم) → جان اتاق را رنگ کرد.

✓ The room was painted. (مجهول) → اتاق رنگ شد.

حالت منفی (Negative)

✓ John didn't paint the room. (معلوم) → جان اتاق را رنگ نکرد.

✓ The room wasn't painted. (مجهول) → اتاق رنگ نشد.



درسنامه

- ✓ **آیا جان اتاق را رنگ کرد؟** (معلوم) → Did John paint the room?
 ✓ **آیا اتاق رنگ شد؟** (مجهول) → Was the room painted?



EXERCISE

جمله‌های زیر را مجهول کنید:

- 1 They washed the dishes last night.
- 2 Did you study the book last week?
- 3 I didn't see him last week.

پاسخ‌نامه

- 1 The dishes were washed last night. → شب گذشته ظرف‌ها شسته شدند.
- 2 Was the book studied last week? → آیا هفته گذشته کتاب مطالعه شد؟
- 3 He wasn't seen last week. → او از هفته گذشته دیده نشد.

ساختار مجهول زمان حال کامل

ساختار جمله مجهول در زمان حال کامل به قرار زیر است:

Have / has + been + P.P

- ✓ او یک پل ساخته است. (معلوم) → She has built a bridge.
 ✓ یک پل ساخته شده است. (مجهول) → A bridge has been built.

حالت خبری (Affirmative)

- ✓ علی از ساعت ۱۰ انگلیسی مطالعه کرده است. (معلوم) → Ali has studied English since 10 o'clock.
 ✓ از ساعت ۱۰ انگلیسی مطالعه شده است. (مجهول) → English has been studied since 10 o'clock.

حالت منفی (Negative)

- ✓ تاکنون به پنج سؤال پاسخ نداده است. (معلوم) → She has not answered five questions so far.
 ✓ تاکنون به پنج سؤال پاسخ داده نشده است. (مجهول) → Five questions have not been answered so far.

حالت سؤالی (Question)

- ✓ آیا خانه را از وقتی که رفتم تمیز کرده‌اید؟ (معلوم) → Have you cleaned the house since I left?
 ✓ آیا خانه از زمانی که رفته‌ام، تمیز شده است؟ (مجهول) → Has the house been cleaned since I left?



EXERCISE

جمله‌های زیر را مجهول کنید:

- 1 The director has ordered a lot of new equipment.
- 2 Have you seen that movie many times?
- 3 My brother has not played football since he was thirteen.

پاسخ‌نامه

- 1 A lot of new equipment has been ordered. → ابزارهای جدید بسیاری سفارش داده شده‌اند.
- 2 Has that movie been seen many times? → آیا آن فیلم دفعات بسیاری دیده شده است؟
- 3 Football has not been played since he was thirteen. → از زمانی که سیزده‌ساله بود فوتبال بازی نکرده است.

ساختار مجهول زمان حال و گذشته استمراری

ساختار جمله مجهول در زمان‌های حال و گذشته استمراری به قرار زیر است:

object (مفعول) + to be (am, is, are) + being + p.p. (زمان حال استمراری)
 object (مفعول) + to be (was, were) + being + p.p. (گذشته استمراری)

- ✓ او دارد نامه می‌نویسد. (معلوم) → He is writing a letter.
 ✓ یک نامه در حال نوشته شدن است. (مجهول) → A letter is being written.
 ✓ او داشت اتاق را رنگ می‌کرد. (معلوم) → She was painting the room.
 ✓ اتاق داشت رنگ می‌شد. (مجهول) → The room were being painted.



حالت خبری (Affirmative)

- ✓ I am watching the football match now. (معلوم) → الان دارم مسابقه فوتبال تماشا می‌کنم.
- ✓ The football match is being watched now. (مجهول) → مسابقه فوتبال دارد تماشا می‌شود.
- ✓ He was watching a film yesterday in the evening. (معلوم) → او دیروز عصر در حال تماشای فیلم بود.
- ✓ A film was being watched yesterday in the evening. (مجهول) → دیروز عصر فیلم تماشا می‌شد.

حالت منفی (Negative)

- ✓ I am not playing football now. (معلوم) → الان در حال فوتبال بازی کردن نیستم.
- ✓ Football is not being played now. (مجهول) → الان فوتبال بازی نمی‌شود.
- ✓ I was not playing football last week. (معلوم) → هفته گذشته فوتبال بازی نمی‌کردم.
- ✓ Football was not being played last week. (مجهول) → هفته گذشته فوتبال بازی نمی‌شد.

حالت سؤالی «Question»

- ✓ Are you looking for a new job? (سؤالی معلوم) → آیا به دنبال کار جدیدی هستید؟
- ✓ Is a new job being looked for? (سؤالی مجهول) → آیا کار جدید در حال جست‌وجو شدن است؟
- ✓ Was he watching a film yesterday? (سؤالی معلوم) → آیا او دیروز داشت فیلم می‌دید؟
- ✓ Was a film being watched yesterday? (سؤالی مجهول) → آیا دیروز فیلم دیده شد؟

مجهول آینده ساده و آینده با قصد

ساختار جمله مجهول در زمان آینده ساده و با قصد به قرار زیر است:

will + be + p.p. (آینده ساده مجهول)

به مثال‌های زیر توجه کنید:

- ✓ He will help many people tomorrow. (معلوم) → او فردا به افراد بسیاری کمک خواهد کرد.
- ✓ Many people will be helped tomorrow. (مجهول) → فردا به افراد بسیاری کمک خواهد شد.
- (am, is, are) going to + be + p.p. (آینده با قصد مجهول)
- ✓ Ali is going to fix his car tomorrow. (معلوم) → علی قصد دارد ماشینش را فردا تعمیر کند.
- ✓ His car is going to be fixed tomorrow. (مجهول) → فردا قرار است ماشینش تعمیر بشود.

حالت خبری (Affirmative)

- ✓ We will call the police as soon as possible. (معلوم) → در اسرع وقت با پلیس تماس خواهیم گرفت.
- ✓ The police will be called as soon as possible. (مجهول) → در اسرع وقت با پلیس تماس گرفته خواهد شد.
- ✓ I am going to give an exam at the end of the day. (معلوم) → در پایان روز می‌خواهم امتحان بدهم.
- ✓ An exam is going to be given at the end of the day. (مجهول) → در پایان روز امتحان داده خواهد شد.

حالت منفی (Negative)

- ✓ The teacher will not accept your excuse for being late. (معلوم) (زمان آینده ساده منفی معلوم) معلم بهانه شما را به خاطر دیر آمدن قبول نخواهد کرد.
- ✓ Your excuse for being late will not be accepted. (مجهول) (زمان آینده ساده منفی مجهول) بهانه شما به خاطر دیر آمدن مورد قبول واقع نخواهد شد.
- ✓ I am not going to buy a bag for your birthday. (معلوم) (آینده با قصد منفی معلوم) نمی‌خواهم برای تولد شما یک کیف بخرم.
- ✓ A bag is not going to be bought for your birthday. (مجهول) (آینده با قصد منفی مجهول) برای تولد شما کیفی خریداری نخواهد شد.

حالت سؤالی (Question)

- ✓ Will you find the cat tomorrow? (سؤالی معلوم) → آیا فردا گربه را پیدا خواهید کرد؟
- ✓ Will the cat be found tomorrow? (سؤالی مجهول) → آیا فردا گربه پیدا خواهد شد؟
- ✓ Are you going to see the king? (سؤالی معلوم) → آیا قصد دارید با پادشاه دیدار کنید؟
- ✓ Is the king going to be seen? (سؤالی مجهول) → آیا پادشاه ملاقات خواهد شد؟



EXERCISE

جمله‌های زیر را مجهول کنید:

- 1 Fred will learn a new language this year.
- 2 Are you going to finish your homework tonight?
- 3 I will not wash the dishes tomorrow.

پاسخ‌نامه

- 1 A new language will be learned this year. → امسال یک زبان جدید یاد گرفته خواهد شد.
- 2 Is your homework going to be finished tonight? → آیا تکلیف‌تان امشب تمام خواهد شد؟
- 3 The dishes will not be washed tomorrow. → فردا ظرف‌ها شسته نخواهد شد.

ساختار جمله مجهول در زمان گذشته کامل به قرار زیر است:

had + been + p.p.

- ✓ He had killed many snakes. (گذشته کامل معلوم) → او مارهای زیادی را کشته بود.
- ✓ Many snakes had been killed. (گذشته کامل مجهول) → مارهای بسیاری کشته شدند.



EXERCISE

- 1 John had painted the room.
- 2 She hadn't finished her class before I arrived.

پاسخنامه

- 1 The room had been painted (by John). → اتاق رنگ شده بود. (توسط جان)
- 2 Her class hadn't been finished before I arrived. → کلاس او قبل از این که من برسم تمام نشده بود.

روش‌های شناخت یا تشخیص فعل معلوم و مجهول در کنکور

۱ وقتی قبل از جای خالی فاعل یا ضمیر داشته باشیم، فعل معلوم است.

۲ اگر اسم یا ضمیر، مفعول فعل بعد از خود باشد، فعل مجهول است.

۳ اگر بعد از فعل متعدی مفعول نیامده باشد، ممکن است فعل مجهول باشد.

* Thousand of novels every year. (are published – publish)

* She English before he started cooking dinner? (had studied – had been studied)

جواب سؤال اول: چون «thousand of novels» مفعول فعل «published» است؛ پس در جای خالی «are published» می‌آید.

جواب سؤال دوم: چون قبل از جای خالی «she» داریم، از این جهت باید در جای خالی فعل معلوم «had studied» را بیاوریم.

طریقه مجهول کردن اسم مصدر

Being + p.p.

- ✓ I enjoy cleaning the room. (معلوم) → از تمیز کردن اتاق لذت می‌برم.
- ✓ I enjoy the room being cleaned. (مجهول) → از این که اتاق تمیز شده باشد، لذت می‌برم.

طریقه مجهول کردن جمله‌های امری

Let + مفعول + be + p.p.

- ✓ Open the door, please. (معلوم) → لطفاً در را باز کنید.
- ✓ Let the door be opened, please. (مجهول) → لطفاً بگذارید در باز باشد.

طریقه مجهول کردن جملات دومفعولی

می‌توانیم بعضی از فعل‌های دومفعولی را به روش‌های زیر مجهول کنیم:

- ✓ He gave his sister a pen. (معلوم) → او به خواهرش یک خودکار داد.
مفعول دوم مفعول اول
- ✓ His sister was given a pen. (مجهول) → به خواهرش یک خودکار داده شد.
مفعول اول
- ✓ A pen was given to his sister. (مجهول) → یک خودکار به خواهرش داده شد.
مفعول دوم

GOLDEN TIP

می‌توانیم افعال کمکی (وجهی) (can, could, should, ...) را هم مجهول کنیم. نحوه مجهول کردن افعال وجهی به قرار زیر است: (قسمت سوم فعل) be + P.P + فعل کمکی

- ✓ You should do your homework now. (معلوم) → الان باید تکلیفتان را انجام بدهید
- ✓ Your homework should be done now. (مجهول) → تکلیفتان باید الان انجام شود

نتیجه کالبدشکافی جمله‌های مجهول

زمان	جمله معلوم	جمله مجهول	قیده‌های شناسایی در تست
حال ساده	He cleans the house. او خانه را تمیز می‌کند.	The house is cleaned. خانه تمیز می‌شود.	زمان + Every قیده‌های تکرار: Always, usually, often, sometimes
حال استمراری	He is cleaning the house. او دارد خانه را تمیز می‌کند.	The house is being cleaned. خانه دارد تمیز می‌شود.	now, at the moment
گذشته ساده	He cleaned the house. او خانه را تمیز کرد.	The house was cleaned. خانه تمیز شد.	زمان + yesterday, last زمان + go
آینده ساده	He will clean the house. او خانه را تمیز خواهد کرد.	The house will be cleaned. خانه تمیز خواهد شد.	زمان + tomorrow, soon, next
آینده با قصد	He is going to clean the house. قصد دارد خانه را تمیز کند.	The house is going to be cleaned. خانه قرار است تمیز شود.	tomorrow, soon زمان + next
گذشته استمراری	He was cleaning the house. او داشت خانه را تمیز می‌کرد.	The house was being cleaned. خانه داشت تمیز می‌شد.	گذشته استمراری + گذشته ساده + when گذشته ساده + گذشته استمراری + while/as
حال کامل (ماضی نقلی)	He has cleaned the house. او خانه را تمیز کرده است.	The house has been cleaned. خانه تمیز شده است.	مبدأ زمان + since / طول زمان + for yet, recently, lately, ever, so far
گذشته کامل (ماضی بعید)	He had cleaned the house. او خانه را تمیز کرده بود.	The house had been cleaned. خانه تمیز شده بود.	گذشته کامل + گذشته ساده + before گذشته بعید + ماضی ساده + when ماضی ساده + گذشته بعید + After ماضی بعید + because + گذشته ساده

TEST YOURSELF

- 1 The movie at school two days ago.
 1 showed 2 is shown 3 was shown 4 shows
- 2 He for a month.
 1 is not seen 2 has not been seen 3 didn't see 4 has not seen
- 3 The math problem in the classroom before.
 1 was solved 2 had solved 3 has solved 4 had been solved

پاسخ‌نامه

- 1 با توجه به معنی جمله و اینکه بعد از جای خالی فعل نداریم، متوجه می‌شویم که باید در جای خالی فعل مجهول بگذاریم، اگر به آخر جمله هم نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که قید زمان (two days ago) زمان گذشته را نشان می‌دهد؛ پس گزینه‌های «۲» و «۴» حذف می‌شوند. بنابراین گزینه «۳» درست است. ترجمه: «فیلم دو روز پیش در مدرسه به نمایش درآمد.»
- 2 در این سؤال for یکی از نشانه‌های مهم زمان حال کامل است؛ بنابراین گزینه‌های «۱» و «۳» حذف می‌شوند؛ چون بعد از جای خالی مفعول نداریم، متوجه خواهیم شد که فعل مجهول است؛ بنابراین گزینه «۲» درست است. ترجمه: «او به مدت یک ماه دیده نشده است.»
- 3 مثل سؤال قبل چون بعد از جای خالی مفعول نداریم؛ بنابراین متوجه می‌شویم که The math problem مفعول است؛ چون اول جمله آمده است؛ پس فعل باید مجهول باشد؛ بنابراین گزینه «۴» درست است. ترجمه: «این مسئله ریاضی قبلاً در کلاس حل شده بود.»

شاید برای شما پیش آمده باشد که با این نوع از سؤال‌ها برخورد کنید:
هوای خوبی است، مگر نه؟

در زبان انگلیسی از این نوع ساختارها خیلی استفاده می‌شود که به آن «Tag Question» گفته می‌شود. بیایید جمله‌های انگلیسی زیر را به همراه معادل فارسی آن‌ها ببینیم:

- ✓ He is a student, isn't he? → او دانش‌آموز است، مگر نه؟
- ✓ He is not a student, is he? → او دانش‌آموز نیست، مگر نه؟

طرز ساخت پرسش‌های کوتاه در زبان انگلیسی

بهتر است اول این نکته مهم را بدانید که اگر جمله مثبت باشد، سؤال کوتاه منفی است و اگر جمله منفی باشد، سؤال کوتاه مثبت است. برای بهتر فهمیدن این مطالب به ساختارهای زیر توجه کنید:

ضمیر فاعلی + فعل کمکی منفی + جمله خبری مثبت

- ✓ Peter was playing well, wasn't he? → پیترو خوب بازی می‌کرد، مگر نه؟
ضمیر فاعلی + فعل کمکی مثبت + جمله خبری منفی
- ✓ My friend isn't at school, is he? → دوستم در مدرسه نیست، مگر نه؟

TIP

اگر فعل جمله خبری، از افعال To be نباشد، در این حالت فعل جمله ما یا حال ساده است یا گذشته ساده. می‌دانیم که فعل کمکی برای سؤالی کردن حال ساده «do, does» و برای گذشته ساده «did» است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- ✓ Ali cleans the room, doesn't he? → علی اتاق را تمیز می‌کند، مگر نه؟
- ✓ He didn't wash the car, did he? → او ماشین را نشست، مگر نه؟

نکات مهم پرسش‌های کوتاه کاملاً کنکوری

۱ قیدهای تکرار مثل «hardly, barely, scarcely, rarely, seldom, never» جمله را منفی می‌کنند. بنابراین پرسش‌های کوتاه آن‌ها مثبت خواهند بود.

- ✓ She never wants to speak with you anymore, does she? → او هرگز نمی‌خواهد با تو حرف بزند، مگر نه؟
- ۲ اگر جمله با Let's شروع شد، پرسش کوتاه آن «shall we?» خواهد بود.
- ✓ Let's go to the museum, shall we? → بیا برویم موزه، باشد؟
- ۳ اگر جمله‌ای با I am شروع شود، tag question آن به صورت «aren't I» است.
- ✓ I am studying very well, aren't I? → دارم خوب مطالعه می‌کنم، مگر نه؟
- ۴ اگر جمله امری باشد، می‌توانیم هم برای جملات مثبت و هم منفی «will not» بیاوریم.
- ✓ Open the door, will you? → در را باز کنید، می‌شود؟
- ✓ Don't speak too fast, will you? → سریع صحبت نکنید، می‌شود؟

TIP

برای درخواست مؤدبانه در جملات امری از «won't you» استفاده می‌کنیم.

- ✓ Listen to me, won't you? → به من گوش کنید، ممکن است لطفاً؟

۵ صفت‌های کمی «few» و «little» جمله را منفی می‌کنند؛ پس tag question آن‌ها مثبت است.

- ✓ There is little tea in the cup, is there? → چای کمی در فنجان است، مگر نه؟
- ۶ اگر فاعل جمله this یا that باشد، می‌توانیم از ضمیر it و برای these و those از ضمیر they استفاده می‌کنیم.
- ✓ This isn't your pen, is it? → این خودکار تو نیست، مگر نه؟
- ✓ Those are my friends, aren't they? → این‌ها دوستان من هستند، مگر نه؟
- ۷ برای ضمیرهای نامعین مثل «every one و nobody, somebody, someone, no one» از ضمیر it برای شی و they برای انسان استفاده می‌شود.
- ✓ Everybody enjoyed the concert, didn't they? → همه از کنسرت لذت بردند، مگر نه؟



TIP

برای «nothing» از ضمیر «it» استفاده می‌کنیم.

✓ Nothing happened, did it? → هیچ اتفاقی نیفتاده، مگر نه؟

۸ هرگاه در جمله «had to»، «have to»، «has to» داشته باشیم، در قسمت «Tag Question» از فعل کمکی «did»، «does»، «do» استفاده می‌کنیم.

✓ They have to stay here, don't they? → آن‌ها مجبور هستند اینجا بمانند، مگر نه؟

۹ فعل‌های «had-has-have» وقتی که فعل اصلی هستند به معنی «داشتن» هستند. اگر بعد از این فعل‌ها p.p. بیاید فعل کمکی محسوب می‌شوند. وقتی این فعل‌ها اصلی باشند در tag question با «did-does-do» می‌آیند، ولی اگر فعل کمکی باشند، خودشان در قسمت tag question می‌آیند.

✓ He has a boy and two girls, doesn't he? → او یک پسر و دو دختر دارد، مگر نه؟

✓ You have lived in Mexico since 1983, haven't you? → از سال ۱۹۸۳ در مکزیک زندگی کرده‌اید، مگر نه؟



TIP

اگر در جمله خبری فعل جمله به شکل «'d» آمده باشد، منظور would یا had است. اگر بعد از «'d» یک فعل ساده مثل «go» آمده بود، پس منظور از «'d»، «would» است و اگر قسمت سوم فعل (P.P.) مثل «gone» آمده بود، منظور «'d»، «had» است.

✓ She'd arrive soon, wouldn't she? → او به زودی خواهد آمد، مگر نه؟

فعل ساده

✓ He'd learned English before he came here, hadn't he? → او قبل از اینکه به اینجا بیاید انگلیسی یاد گرفته بود، مگر نه؟



EXERCISE

- 1 He could speak French well,
- 2 The students are not listening to the teacher,
- 3 We didn't write our homework,
- 4 You will see him next week,
- 5 He watches TV at 6 o'clock,

پاسخ‌نامه

- | | | |
|----------------|---------------|-----------|
| 1 Couldn't he? | 2 are they? | 3 did we? |
| 4 won't you? | 5 doesn't he? | |

نتیجه کالبدشکافی پرسش‌های کوتاه «Tag Question»

کاربرد: تأیید حرف گوینده

دو حالت کلی دارد:
ضمیمه فاعلی + فعل کمکی منفی + جمله خبری مثبت
Peter was playing well, wasn't he?

ضمیمه فاعلی + فعل کمکی مثبت + جمله خبری منفی
My friend isn't at school, is he?

پرسش‌های کوتاه
«Tag Questions»

TEST YOURSELF

- 1 They answered the question, they?
 1 don't 2 do 3 didn't 4 did
- 2 You can see him at school, you?
 1 can't 2 don't 3 didn't 4 can
- 3 We don't live near here, we?
 1 do 2 don't 3 did 4 didn't
- 4 My brother, Ali is playing in the yard, isn't?
 1 Ali 2 my brother 3 my brother Ali 4 he
- 5 James built the first steam engine,?
 1 did he 2 didn't he 3 did James 4 didn't James

پاسخ‌نامه

- 1 چون فعل answered زمان گذشته ساده را نشان می‌دهد؛ پس باید در قسمت دوم، فعل کمکی گذشته و منفی باشد؛ بنابراین گزینه «۳» درست است.
ترجمه: «آنها به سؤال جواب دادند، مگر نه؟»
- 2 فعل کمکی در این جمله can است و چون جمله خبری مثبت است؛ بنابراین گزینه «۱» درست است.
ترجمه: «می‌توانید او را در مدرسه ببینید، مگر نه؟»
- 3 در این سؤال don't فعل کمکی منفی مربوط به زمان حال ساده است، پس در قسمت «tag question» فعل کمکی باید مثبت باشد؛ بنابراین گزینه «۱» درست است.
ترجمه: «در این نزدیکی زندگی نمی‌کنیم، مگر نه؟»
- 4 نکته مهمی که در این سؤال هست، این است که باید ضمیر فاعلی بیاید، بنابراین به جای My brother باید he بیاوریم، پس گزینه «۴» درست است.
ترجمه: «برادرم، علی در حیاط فوتبال بازی می‌کند، مگر نه؟»
- 5 در این سؤال مثل سؤال قبلی باید در قسمت Tag question ضمیر فاعلی بیاوریم؛ چون فعل جمله خبری، گذشته ساده و مثبت است؛ پس باید در قسمت tag فعل کمکی منفی بیاوریم؛ بنابراین گزینه «۲» درست است.
ترجمه: «جیمز اولین موتور بخار را ساخت، مگر نه؟»

کالبدشکافی حروف ربط هم‌پایه‌ساز (conjunctions)

در این قسمت می‌خواهیم حروف ربط «so, or, but, and» را معرفی کنیم. این حروف ربط می‌توانند دو جمله ساده را به هم وصل کنند و یک جمله مرکب را بسازند. حالا در مثال‌های زیر کاربرد این حروف ربط را با هم بینیم:

- کاربرد «and»
این حرف ربط معنی «و» دارد و برای اضافه کردن اطلاعات بیشتر به جمله اول می‌آید.
- ✓ He was tired, and he had headache. → او خسته بود و سردرد داشت.
- کاربرد «but»
اگر بخواهیم مغایرت، تضاد یا تفاوت را نشان بدهیم، از «but» به معنی «اما» استفاده می‌کنیم.
- ✓ Ramin studied a lot, but he couldn't pass the test. → رامین زیاد مطالعه کرد، ولی نتوانست در امتحان قبول شود.
- کاربرد «or»
وقتی حق انتخاب دیگری داشته باشیم، بهتر است از «or» به معنی «یا» استفاده کنیم.
- ✓ You can buy the book, or you can borrow it from the library. → می‌توانید این کتاب را بخرید یا می‌توانید از کتابخانه امانت بگیرید.
- کاربرد «so»
این حرف ربط نتیجه یا پیامد کاری را نشان می‌دهد که معنی آن «بنابراین» است.
- ✓ It was cold outside, so he put on a coat. → بیرون سرد بود، بنابراین یک کت پوشید.

TIP

در جمله‌های مرکب می‌شود نهاد یا فاعل جمله ساده دوم را به قرینه حذف کرد، البته نکته‌ای که وجود دارد این است که نهادهای دو جمله ساده باید یکی باشند. وقتی نهاد جمله ساده دوم حذف شد، کاما هم حذف می‌شود.

- ✓ She tried hard to find a job, but she couldn't find a proper one.
او خیلی سعی کرد تا کار پیدا کند، ولی نتوانست کار مناسب پیدا کند.
- ✓ She tried hard to find a job but couldn't find a proper one.
او خیلی سعی کرد تا کار پیدا کند، ولی نتوانست کار مناسبی پیدا کند.

1654. The flowers in a warm place.
 1 should keep 2 should be kept 3 can be kept 4 can keep
1655. The room when I arrived.
 1 is being cleaned 2 are being cleaned 3 was cleaned 4 was being cleaned
1656. Children should go to bed early,?
 1 shouldn't they 2 should they 3 shouldn't children 4 should children
1657. There are some children at the door,?
 1 are there 2 aren't there 3 they are 4 they aren't
1658. The weather is nice, Let's play outside,?
 1 shall we 2 shan't we 3 don't we 4 do we
1659. He confessed that he had stolen the car,?
 1 did he 2 he didn't 3 didn't he 4 he did
1660. You can study in university's library in the dormitory's quiet room, you must find a quiet place to study soon.
 1 and / or 2 or / but 3 so / and 4 but / or
1661. The embassy pays for one of my classmates'tuition, books and food, I must work to pay for my tuition.
 1 and 2 so 3 nor 4 but
1662. After I finish my study, I will get a job, I will go to my country.
 1 or 2 not 3 but 4 that
1663. I've been working hard all year, I'm going to take a vacation during the summer.
 1 but 2 so 3 and 4 or
1664. You can stay home and study for the exam, you can go out and enjoy yourself.
 1 so 2 and 3 or 4 nor
1665. I have always enjoyed studying languages, I think English is very hard.
 1 nor 2 and 3 so 4 but
1666. The library by many children last summer.
 1 will be used 2 uses 3 was used 4 used
1667. I have invited them to my wedding, they may decide not to come.
 1 or 2 and 3 so 4 but
1668. A woman as the president of the United States in the past.
 1 were elected 2 was not elected 3 elected 4 is not elected
1669. Different actions these days to help deal with environmental problems.
 1 were being taken 2 had been taken 3 are being taken 4 have been taken
1670. All the students by phone company officials last night.
 1 had been interviewed 2 are being interviewed
 3 interviewed 4 were being interviewed
1671. A lot of money to him by the children's parents.
 1 is being paid 2 was being paid 3 pays 4 paid
1672. The telephone was invented Alexander Graham Bell in 1876.
 1 with 2 by 3 until 4 since
1673. The land next to our house sold to the government recently.
 1 is 2 was 3 has been 4 had been
1674. The teacher thought the lesson reviewed before.
 1 has 2 had 3 is going to 4 had been
1675. The footballer out of field because of his shouting at other players.
 1 sent 2 is sent 3 was sending 4 was sent

می‌توانیم به معنی بسیاری از واژه‌ها با توجه به ساختار آن‌ها پی ببریم. برخی از واژه‌ها به همراه پسوند یا پیشوند می‌آیند، اگر پسوندها و پیشوندها را بشناسیم، می‌توانیم معنی بسیاری از واژه‌های جدید را حدس بزنیم.

پسوندهای فعل‌ساز

می‌توانیم با اضافه کردن پسوندهای «ify» و «ize» به برخی از واژه‌ها آن‌ها را تبدیل به فعل کنیم در جدول زیر با ساختار برخی از این کلمات آشنا می‌شویم:

memory	+ ize	memorize	حفظ کردن
industrial		industrialize	صنعتی کردن
emphasis		emphasize	تأکید کردن
popular		popularize	مردمی کردن
simple	+ ify	simplify	آسان کردن
pure		purify	تصفیه کردن
beauty		beautify	زیباساختن

Vocabulary	لغت	sample	مثال
sense (n)	حس، معنی	Sense of humor	حس شوخ‌طبعی
appreciation (n)	قدردانی، شناخت، درک	It helps children to develop an appreciation of poetry and literature. آن به پیشرفت حس قدردانی بچه‌ها از شعر و ادبیات کمک می‌کند.	
boost (v)	تقویت کردن، افزایش دادن	The company needs to find ways to boost. شرکت نیاز دارد راه‌هایی برای تقویت کردن خود پیدا کند.	
elderly (adj)	مسن	The young boy helped the elderly woman cross the street. پسر جوان به زن مسن برای عبور از خیابان کمک کرد.	
blood pressure	فشار خون	The nurse will take your blood pressure. پرستار فشار خون شما را می‌گیرد.	
teenager (n)	نوجوان	The show is very popular among teenagers. این برنامه در بین نوجوان‌ها خیلی معروف است.	
advice (n)	نصیحت، توصیه	My advice is to sell your old car and get a new one. نصیحت می‌کنم که ماشین قدیمی‌تان را بفروشید و یک ماشین جدید بخرید.	
babysit (v)	نگهداری از بچه	I used to babysit to earn money. سابقاً از بچه‌نگهداری می‌کردم تا پول در بیاورم.	
increase (v)	افزایش دادن	He is going to increase our salary. او قصد دارد حقوقمان را زیاد کند.	
function (n)	عملکرد	What exactly is the function of this machine over here? دقیقاً کاربرد این ماشین، در اینجا چیست؟	
respect (v) (n)	احترام گذاشتن، احترام	He has no respect for the rules. به قوانین احترام نمی‌گذارد.	
take care (v)	مراقبت کردن	Take care when you cross the street. زمانی که از خیابان عبور می‌کنید مراقب باشید.	
donate (v)	هدا کردن، بخشیدن	We donated our old clothes to charity. لباس‌های قدیمی‌مان را به خیریه اهدا کردیم.	
go through (v)	بررسی کردن	Let's go through the plan one more time. بیاید یک دفعه دیگر برنامه را بررسی کنیم.	
appropriate (adj)	مناسب	Is it an appropriate time to make a speech now? آیا الان وقت مناسبی برای سخنرانی است؟	
cruel (adj)	ظالم، ظالمانه	I can't understand the people who are cruel to animals. نمی‌توانم افرادی را که با حیوانات ظالم هستند، درک کنم.	

Vocabulary	لغت	مثال
loving (adj)	مهربان، محبت‌آمیز	Kind parents bring up loving children. والدین مهربان، بچه‌های مهربان بزرگ می‌کنند. (تربیت می‌کنند)
take temperature	درجهٔ حرارت را گرفتن	You will use a special instrument when you take somebody's temperature. زمانی که می‌خواهید دمای بدن شخصی را اندازه بگیرید، باید از ابزار خاص استفاده کنید.
physician (n)	دکتر، طبیب	She believed that the best physician is indeed nature. او معتقد بود که طبیعت قطعاً بهترین درمانگر است.
sofa (n)	کاناپه	We bought a new sofa last week. هفتهٔ گذشته یک کاناپهٔ جدید خریدیم.
feed (v)	غذا دادن	She is going to feed her baby. می‌خواهد به کودکش غذا بدهد.
pigeon (n)	کبوتر	Several children were feeding bread to the pigeons. چند بچه داشتند به کبوترها نان می‌دادند.
shout at (v)	بر سر کسی فریادزدن	She shouted at him to close the window. سر او فریاد زد تا پنجره را ببندد.
loud (adj)	بلند	That music is too loud, please turn it down. صدای موسیقی زیاد است، لطفاً صدایش را کم کنید.
hard of hearing (v)	سنگینی گوش	He has become a little hard of hearing in his old age. در دوران سالمندی کمی گوشش سنگین شده است.
be born (v)	متولدشدن	I was born in Tehran. در تهران متولد شدم.
village (n)	روستا	The whole village came to the meeting. همهٔ اهل روستا به جلسه آمدند.
hug (v)	در آغوش گرفتن	My father hugged me. پدرم مرا در آغوش گرفت.
lap (n)	دامن، آغوش، کنار	She held the baby on her lap. بچه را در دامن خود نگه داشت.
burst into tears (v)	زیر گریه زدن	She suddenly burst into tears. ناگهان زیر گریه زد.
suddenly (adv)	به‌طور ناگهان	I suddenly understood what had happened. ناگهان فهمیدم چه اتفاقی افتاده بود.
repeatedly (adv)	به‌طور مکرر	He told me this point repeatedly. این نکته را به‌طور مکرر به من گفت.
politely (adv)	مؤدبانه	She politely asked them to leave. مؤدبانه از آن‌ها خواست بروند.
forgive (v)	بخشیدن، عفو کردن	I've tried to forgive him for what he said. تلاش کردم تا او را به خاطر چیزی که گفت ببخشم.
calmly (adv)	به‌آرامی، با خونسردی	I'll call the doctor, he said calmly. به آرامی گفت: به دکتر تلفن می‌کنم.
quiet (adj)	آرام	Could you keep the kids quiet while I'm on the phone? می‌توانی بچه‌ها را آرام نگهداری، زمانی که با تلفن حرف می‌زنم؟
diary (n)	دفتر خاطرات، خاطرات	His diary was not published in his lifetime. دفتر خاطراتش در طول زندگی او منتشر نشد.
reply (v)	پاسخ‌دادن	She replied that she had never seen the man in the photograph. جواب داد که هرگز مرد درون عکس را ندیده است.
after a while	پس از مدتی	His speaking skill got better after a while. مهارت صحبت کردن او بعد از مدتی بهتر شد.
strong wind	باد شدید	Last night a strong wind destroyed the farm. شب گذشته طوفانی شدید مزرعه را نابود کرد.
heavy rain	باران شدید	We had heavy rain last week. هفتهٔ گذشته باران سنگینی داشتیم.
make a mistake	اشتباه کردن	Anyone can make a mistake. هر کس می‌تواند اشتباه کند.
normal (adj)	نرمال و طبیعی	This is the sound of a normal heartbeat. این صدای ضربان قلب عادی است.

مثال	sample	لغت	Vocabulary
او یک شاعر تمام عیار است.	He is a perfect poet.	شاعر	poet (n)
شعرم در مجله‌ای چاپ شد.	My poem was published in a magazine.	شعر	poem (n)
اشعار او دنیای کودکی‌اش را به تصویر می‌کشد.	His poetry pictures the world of his childhood.	شعر و شاعری	poetry (n)
برخی از هنرمندان پس از مرگشان مشهورتر می‌شوند.	Some artists become more famous after their deaths.	مشهور	famous (adj)
مادرش یک زن مذهبی بود که هر روز دعا می‌کرد.	Her mother was a religious woman who prayed daily.	مذهبی	religious (adj)
اخلاق کاری در سیمون قوی نبود.	The work ethic was never very strong in Simon.	اصول اخلاقی، علم اخلاقی	ethic (n)
لطفاً این شعر فرانسوی را به زبان انگلیسی ترجمه کنید.	Please translate this French poem into English.	ترجمه کردن	translate (v)
شنیده‌ام که آن برنامه دفعات بی‌شماری از رادیو پخش شد.	I've heard it played countless times on the radio.	بی‌شمار	countless (adj)
نویسنده دو کتاب در مورد تاریخ فرانسه است.	He is the author of two books on French history.	نویسنده	author (n)
حرف‌های او برای همه ما الهام‌بخش است.	His words are an inspiration to all of us.	الهام، فکر خوب، وحی	inspiration (n)
بی‌بردن به مفهوم واقعی اشعار او مشکل است.	It is hard to discover the true meaning of his poetry.	کشف کردن	discover (v)
حل یک معما	The solution of a mystery	راه‌حل	solution (n)
اقتصاد کشور نباید تنها به یک محصول متکی باشد.	The country's economy should not depend on a single product.	محصول	product (n)
توسعه مهارت‌های مطالعه خوب مهم است.	It is important to develop good study skills.	توسعه دادن، ساختن	develop (v)
جان می‌خواهد یک تلفن هوشمند بخرد.	John is going to buy a smart phone.	تلفن هوشمند	smart phone
ولی داستان را از خودم درنیاوردم، هر چیزی که گفتم واقعی بود.	But I did not invent the story, everything I told you was true.	اختراع کردن، از خود درآوردن	invent (v)
مخترع در حال تلاش برای بازیابی محصول جدید خود است.	The inventor is trying to market his new product.	مخترع	inventor (n)
تفاوت زیادی میان خوب و بد وجود دارد.	There is a great contrast between good and evil.	تضادداشتن	contrast (v)
اوقات شگفت‌انگیزی در شیراز داشتیم.	We had a wonderful time in Shiraz.	شگفت‌انگیز	wonderful (adj)
لذت‌بخش‌ترین شب ممکن را داشتیم.	We had the most enjoyable evening.	لذت‌بخش، دلپذیر	enjoyable (adj)
حداقل باید سالی دو بار به دندان‌پزشک خود مراجعه کنید.	You should visit your dentist at least twice a year.	حداقل	at least
امروز معلم زبان انگلیسی ما شروع به تدریس جملات مرکب کرد.	Today our English teacher began to teach us compound sentences.	جمله مرکب	compound sentence
خواندن فعالیت مفید است.	Reading is a useful activity.	فعالیت	activity (n)
از این که فکر می‌کنی نمی‌توانم از خودم مراقبت کنم متنفرم.	I hate that you think I can't take care of myself.	متنفر بودن	hate (v)
دوش آسان نصب می‌شود.	The shower is easy to install.	نصب کردن	install (v)

Vocabulary	لغت	مثال
heritage (n)	میراث، ارث	These buildings are part of our national heritage. این ساختمان‌ها بخشی از میراث ملی ما هستند.
with regards to	در رابطه با	I have received your complaint with regards to the noise. در مورد سروصدا شکایتان را دریافت کرده‌ام.
sense of belonging	حس تعلق	I feel a sense of belonging to my city. به شهرم احساس تعلق دارم.
a set of rules	مجموعه‌ای از قوانین	Every school has it's own set of rules. هر مدرسه‌ای مجموعه‌ای از قوانین مخصوص به خود را دارد.
guideline (n)	سرمشق، رهنمون	The new guidelines for fighting addiction دستورالعمل‌های جدید برای مبارزه با اعتیاد
bring up (phr (v))	بزرگ کردن، پرورش دادن	Her parents died, so her grandparents brought her up. والدینش فوت کردند؛ بنابراین پدربزرگ و مادربزرگش او را بزرگ کردند.
moral (n) (adj)	اخلاقی، (در جمع) اصول اخلاقی	What is the moral of this story? نتیجه اخلاقی این داستان چیست؟
willing (adj)	مشتاق	I will tell her everything if she's finally willing to listen. همه چیز را به او خواهم گفت، اگر در نهایت مایل به شنیدن باشد.
hopefully (adv)	با امیدواری، امید است که	Hopefully, the company will live to fight another day. امید است تا شرکت برای یک روز دیگر باقی بماند.
peaceful (adj)	آرام، صلح‌جویانه	Everything was peaceful during his watch. در مدت نگهبانی‌اش آرامش کامل برقرار بود.
value (n)	ارزش	My parents believe in the value of a good education. والدینم به ارزش تحصیلات خوب اعتقاد دارند.
principle (n)	اصل، اساس	This principle applies to all kinds of selling. این اصل در مورد انواع فروش صدق می‌کند.
identity (n)	هویت	The police couldn't realize the thief's identity. پلیس نتوانست هویت دزد را تشخیص دهد.
be proud of	مفتخر بودن	Her parents are very proud of her. پدر و مادرش به او افتخار می‌کنند.
failure (n)	شکست	His failure in the exam upset his parents. شکست او در امتحان موجب ناراحتی والدینش شد.
inform (v)	مطلع کردن	No one informed me of these changes. هیچ کس به من از این تغییرات خبر نداد.
attend (v)	حاضر شدن در، شرکت کردن در	We are going to attend the wedding. قصد داریم در مراسم عروسی شرکت کنیم.
regard (v)	به شمار آوردن	He regards as one of the best American playwrights. او به‌عنوان یکی از بهترین نمایشنامه‌نویسان آمریکا به شمار می‌آید.
dedicated (adj)	متعهد، دلسوز، پایبند	The workforce is small but highly dedicated. نیروی کار کوچک، اما بسیار متعهد است.
spare no pains	از هیچ کاری مضایقه نکردن	I'll spare no pains to bring up the children. از هیچ تلاشی برای پرورش بچه‌ها مضایقه نخواهم کرد.
spare (v)	مضایقه کردن از، اختصاص دادن	Can you spare me a few minutes of your time? می‌توانی چند دقیقه از وقتت را به من اختصاص بدهی؟
distinguished (adj)	مشهور، سرشناس	A distinguished poet شاعر معروف
not surprisingly	تعجبی ندارد	Not surprisingly, he is late again. تعجبی ندارد، او باز هم دیر کرد.
homemade (adj)	خانگی، وطنی	I like this homemade bread, it is really good. این نان خانگی را دوست دارم، واقعاً خوب است.
regretful (adj)	تأسف‌آمیز، حاکی از پشیمانی	He is regretful for what he has done. برای کاری که کرده پشیمان است.

مثال	sample	لغت	Vocabulary
	You can't practice as a doctor without having a medical license. نمی‌توانید بدون داشتن مجوز پزشکی طبابت کنید.	مربوط به پزشکی	medical (adj)
	She caught the flu over Christmas. در موقع کریسمس به آنفولانزا مبتلا شد.	آنفولانزا	flu (n)
	She received many cards for her birthday. برای جشن تولدش کارت‌های زیادی را دریافت کرد.	دریافت کردن	receive (v)
	More people are going abroad for vacation. افراد بسیاری برای تعطیلات به خارج می‌روند.	خارج از کشور	abroad (adv)
	He founded his theory on established principles. تئوری خود را براساس اصول تثبیت‌شده بنیان نهاد.	تأسیس کردن، بنیان‌نهادن	found (v)
	Mehdi and I are close friends. من و مهدی دوستان نزدیک هستیم.	دوستان نزدیک و صمیمی	close friends
	It was generous of her to invite her elderly aunt to live with them. خیلی سخاوتمند بود که عمه پیرش را به خانه دعوت کند تا با آن‌ها زندگی کند.	سخاوتمند، سخاوتمندانه	generous (adj)
	Antibiotics can cure people of some diseases, but not all. آنتی‌بیوتیک‌ها می‌توانند برخی بیماری‌های افراد را درمان کنند، البته نه همه بیماری‌ها را.	معالجه کردن	cure (v)
	Any helpful suggestion would be welcomed. هرگونه پیشنهاد مفیدی می‌تواند مورد استقبال قرار بگیرد.	مفید، سودمند	helpful (adj)
	Her disease cannot be cured easily. بیماری او نمی‌تواند به آسانی درمان شود.	بیماری	disease (n)
	By the way, my name is Ramin. راستی، اسم من رامین است.	راستی	by the way
	I'm not interested in Tv series. من به سریال‌های تلویزیونی علاقه‌ای ندارم.	سریال‌های تلویزیونی	TV series
	Her teacher calmed her kindly. معلمش با مهربانی او را آرام کرد.	با مهربانی	kindly (adv)
	He talked for two hours without a pause. بدون توقف دو ساعت حرف زد.	مکث، مکث کردن	pause (n)(v)
	It feels good to be home again. احساس خوبی است که دوباره در وطن باشی.	دوباره	again (adv)
	I have to say I don't much care for modern music. مجبورم بگویم به موسیقی مدرن زیاد اهمیت نمی‌دهم.	اهمیت دادن به، مراقبت کردن از	care for
	My grandmoder's generation did not have television. در نسل مادربزرگم تلویزیون نبود.	نسل، تولید	generation (n)
	He is an expert in military strategy. او یک متخصص در استراتژی نظامی است.	راه‌کار	strategy (n)
	There were a few meaningful comments after the lecture. بعد از سخنرانی نظرات معنی‌داری به وجود آمد.	معنی‌دار، قابل فهم	meaningful (adj)
	What was the main reason for this action? دلیل اصلی این اقدام چه بود؟	اصلی	main (adj)
	The problem was psychological rather than physiological. این مشکل بیشتر روانی بود تا جسمی.	به جای	rather than
	The school provides textbooks to the students. این مدرسه به دانش‌آموزان کتاب‌های درسی ارائه می‌دهد.	فراهم کردن	provide (v)
	Can you go along with me? می‌توانی با من همراهی کنی؟	به همراه	along with
	It is a suitable location for a new school. این مکان مناسبی برای مدرسه جدید است.	محل	location (n)
	A written description of the house شرح مکتوبی از خانه	توصیف	description (n)
	He is more interested in quantity than quality. او بیشتر به کمیت علاقه دارد تا کیفیت.	کمیت	quantity (n)
	The processes of growth فرآیندهای رشد	فرآیند، مراحل	process (n) (v)

Vocabulary	لغت	مثال	sample
generate (v)	تولید کردن	بدن انسان گرما تولید می کند.	The human body generates heat.
refer to (v)	اشاره کردن به، مراجعه کردن به	نمی توانی به فرهنگ لغت رجوع کنی؟	Can't you refer to the dictionary?
collection (n)	مجموعه	هر کریسمس یک مجموعه خیریه محلی داریم.	Every Christmas we have a collection for local charity.
combination (n)	ترکیب	فیلم ترکیبی از سبک وسترن و کمدی بود.	The film was a combination of a western and a comedy.
native speaker	متکلم (سخنور) بومی	می توانم انگلیسی را به سرعت یک متکلم بومی حرف بزنم.	I can speak English as fast as a native speaker.
fast food	غذای حاضری	زیاد خوردن غذای حاضری سالم نیست.	It is not healthy to eat too much fast food.
distinguish (v)	تشخیص دادن	می توانم آن ها را از فاصله دور تشخیص دهم.	I can distinguish them at a distance.
create (v)	خلق کردن، درست کردن	هدف اصلی صنعت آفریدن ثروت است.	The main purpose of industry is to create wealth.
tool (n)	ابزار	چکش نوعی ابزار است.	A hammer is a sort of tool.
accidentally (adv)	به طور تصادفی	به طور تصادفی پشت در قفل شده خانه ماندم.	I accidentally locked myself out of the house.
dishwasher (n)	ماشین ظرف شویی	دیروز یک ماشین ظرف شویی جدید خریدم.	I bought a new dishwasher yesterday.
ordinary (adj)	معمولی	روز در اداره عادی بود تا اینکه برق رفت.	It was an ordinary day at the office until the electricity went off.
for instance	برای مثال، به عنوان نمونه	ایران مکان های بسیاری برای توریست ها دارد، برای مثال تخت جمشید.	Iran has many places for tourists: for instance Takhte-Jamshid.
mention (v)	ذکر کردن	آیا من را هم ذکر کرد؟	Did he mention me too?
weave (v)	بافتن	او می خواهد فرش جدیدی ببافد.	She is going to weave a new carpet.
elicit (v)	اطلاعات، پاسخ و غیره بیرون کشیدن	نتوانستند هیچ جوابی از او بیرون بکشند.	They couldn't elicit any response from him.
agreement (n)	توافق	همگی در مورد کاری که باید انجام دهیم توافق داریم.	We are all in agreement about what we should do next.
confirm (v)	تأیید کردن	مدرکی که اظهارنامه ها را تأیید کند دارید؟	Do you have any evidence to confirm your statement?
signal (v) (n)	علامت دادن، اشاره کردن، پیام فرستادن	سیگنال تلویزیون در این منطقه ضعیف است.	The TV signal is weak in this area.
uncertainty (n)	تردید، عدم اطمینان	در مورد واکنش دولت، تردید (عدم قطعیت) وجود دارد.	There is an uncertainty about the government's reaction.
check (v)	بازبینی کردن، بررسی کردن	لطفاً بررسی کنید، ببینید مهمان ها آمده اند یا نه!	Please check to see if the guests have come!
plan (n)	طرح، برنامه، نقشه	آیا برای بعد از فارغ التحصیلی خود برنامه ای داری؟	Don't you have any plans for after your graduation?
future (n)	آینده	باید فکر کردن در مورد آینده تان را شروع کنید.	You need to start thinking about your future.
condition (n)	شرط - وضعیت	پزشک می گوید که وضعیت او در حال بهبودی است و به زودی از بیمارستان خارج خواهد شد.	The doctor says his condition is improving and he'll be out of the hospital soon.

مثال	sample	لغت	Vocabulary
فقط با دوستانش راحت است.	He is comfortable only with his friends.	راحت	comfortable (adj)
در آن کشور به ندرت زلزله رخ می‌دهد.	Earthquakes rarely happen in that country.	به ندرت	rarely (adv)
این دو کالج کوچک در یک مدرسه ترکیب می‌شوند.	These two small colleges are combining into one school next fall.	ترکیب کردن	combine (v)
باتری تمام شده بود و او باید آن را جایگزین می‌کرد.	The battery was dead, and he had to replace it.	جایگزین کردن، سر جای خود گذاشتن	replace (v)
فکر می‌کنید این هدیه برای یک پسر کوچک مناسب است؟	Do you think this present is suitable for a little boy?	مناسب	suitable (adj)
این واکسن نتیجه سال‌ها تحقیق بود.	This vaccine was the result of many years of research.	نتیجه	result (n)
باید مسئولیت اقدامات خود را به عهده بگیرید.	You need to take responsibility for your actions.	مسئولیت	responsibility (n)
آیا به اندازه کافی برای حفاظت از محیط زیست تلاش می‌کنیم؟	Are we doing enough to protect the environment?	محافظت کردن	protect (v)
کمک تو در زمان مشکلات ما موهبت بود.	Your help during our troubles was a blessing.	نعمت، موهبت	blessing (n)
خیلی دیر وقت است؛ بنابراین باید به رختخواب بروید.	It is very late; hence you must go to bed.	از حالا، به دلیل، بنابراین	hence (adv)
او همچنین به زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی صحبت می‌کند.	He speaks English and Spanish as well.	همچنین	as well
ساندویچم را با وی سهیم شدم، چون که فراموش کرده بود ناهار بیاورد.	I shared my sandwich with him since he'd forgotten his lunch.	به اشتراک گذاشتن	share (v)
به خاطر کمک‌های بسیار سزاوار هدیه هستید.	You deserve a reward for being so helpful.	سزاوار بودن، شایسته بودن	deserve (v)
نمی‌توانید داخل شوید، صرف نظر از اینکه چه کسی هستید.	You cannot go in no matter who you are.	صرف نظر از اینکه	no matter
از اعتماد شما مفتخرم.	I feel honored by your trust.	مفتخر بودن	feel honored
آن را وظیفه خود می‌پنداشت.	She saw it as her duty.	وظیفه، تکلیف	duty (n)
معلم جدید نمی‌تواند کلاس‌های خود را کنترل کند.	The new teacher can't handle his classes.	اداره کردن، رسیدگی کردن به، کنترل کردن	handle (v)
آنها خودشان به تنهایی به خانه می‌روند؟	Are they going home on their own?	به تنهایی	on their own
باید بدون قید و شرط زندانی را آزاد کنیم.	We have to release the prisoner unconditionally.	بی قید و شرط	unconditionally (adv)
آنها از کمبود غذا و دارو رنج می‌برند.	They suffer from lack of food and medicine.	کمبود	lack (n)
باید به خاطر سلامتی خویش در این سن سپاسگزار باشد.	He should be grateful for his good health at his age.	سپاسگزار، خوشایند	grateful (adj)
سزاوار ارتقاء شغلی نیست.	He is not worthy of promotion.	سزاوار چیزی بودن، ارزش داشتن	to be worthy
بهترین عنوان برای این متن چیست؟	What is the best title for this passage?	عنوان	title (n)
تلاش کرد از زندان فرار کند، ولی دستگیر شد.	He attempted to escape from prison, but he was caught.	تلاش کردن	attempt (v)
دزد به او شلیک کرد؛ ولی تیرش خطا رفت.	The robber fired at him but missed it.	دزد	robber (n)



1700. My of smell is really bad right now because of my allergies.
 1) advice 2) sense 3) diary 4) product
1701. The boss gave them each generous bonus in of their fine efforts.
 1) appreciation 2) respect 3) ethics 4) moral
1702. He thought a few kind words might her self - confidence.
 1) donate 2) feed 3) hate 4) boost
1703. The hospital is designed for the needs of the
 1) normal 2) famous 3) elderly 4) willing
1704. I would you to leave as soon as possible; otherwise, you might miss your train.
 1) advise 2) increase 3) produce 4) forgive
1705. Our sales continue to as our name gets known.
 1) donate 2) hate 3) receive 4) increase
1706. He believes that the true of art is to tell the truth.
 1) ethics 2) author 3) function 4) solution
1707. I really my parents for all they did to help my sister and I get a good education.
 1) create 2) respect 3) provide 4) pause
1708. They used to large sum of money to the Red Cross every year.
 1) donate 2) contrast 3) reply 4) inform
1709. Informal language is not when you write academic papers.
 1) wonderful 2) quiet 3) appropriate 4) countless
1710. There were no instances of the disease here until it appeared last year.
 1) repeatedly 2) unconditionally 3) kindly 4) suddenly
1711. He will never his parents for what they have done to him.
 1) discover 2) forgive 3) translate 4) invent
1712. I'd rather have a/an evening at home tonight instead of going out.
 1) quiet 2) moral 3) main 4) generous
1713. This was the in which she recorded her inner thoughts and secrets.
 1) poetry 2) author 3) product 4) diary
1714. In a/an week, you can expect to learn between 15-20 vocabularies in this class.
 1) famous 2) normal 3) willing 4) comfortable
1715. Pele is perhaps the most soccer player in the history of the sport.
 1) countless 2) peaceful 3) famous 4) helpful
1716. I understand your hesitance at hiring someone with little experience, but I assure you that my education and work will more than make up for you.
 1) suitable 2) ethic 3) comfortable 4) helpful
1717. The instructions were so badly written that we needed a translator to them.
 1) reply 2) develop 3) install 4) translate
1718. There are reasons why this would not be a good idea.
 1) countless 2) wonderful 3) willing 4) ordinary
1719. His wife was the direct for the main character in the book.
 1) solution 2) collection 3) inspiration 4) mention
1720. The stolen money was in a paper bag in the freezer in the robber's apartment.
 1) translated 2) generated 3) spared 4) discovered
1721. An old English proverb notes that if you are not part of the, you're part of the problem.
 1) function 2) solution 3) generation 4) location
1722. Good fortune and bad fortune are often theof the human mind itself.
 1) principle 2) strategy 3) product 4) respect
1723. The company has a new method for recycling old tires.
 1) developed 2) discovered 3) cured 4) distinguished



1724. We found out he had the stories he told us about his military service.
 ① developed ② received ③ mentioned ④ invented
1725. There is an obvious between the cultures of East and West.
 ① solution ② collection ③ contrast ④ invention
1726. It was self-evident to her that anything so could not have evolved accidentally.
 ① wonderful ② enjoyable ③ peaceful ④ helpful
1727. The camp offers hiking, swimming and other recreational
 ① duties ② activities ③ strategies ④ identities
1728. We staying with our aunt when we were children because she was so strict.
 ① donated ② respected ③ shouted at ④ hated
1729. I got a new video game for my children, but I don't know how to it on my computer.
 ① invent ② translate ③ install ④ create
1730. The old house has been declared a national site because of its historical importance.
 ① heritage ② inspiration ③ collection ④ generation
1731. Ralph Lauren's new of women's summer dresses is sure to be a hit at the fashion show this spring.
 ① mention ② solution ③ function ④ collection
1732. The of these three paintings on this wall is very pleasing.
 ① translation ② combination ③ creation ④ invention
1733. They have very definite ideas on how to children.
 ① take care of ② get up ③ bring up ④ get off
1734. The ancient Greeks believed that music possess qualities and it could affect a person's character and behavior.
 ① moral ② normal ③ meaningful ④ grateful
1735. The company wanted to buy the property for a new hotel, but the owners were not to sell.
 ① enjoyable ② generous ③ willing ④ ordinary
1736. He has attempted to find a/an solution to the Ossetian conflict.
 ① regretful ② peaceful ③ careful ④ meaningful
1737. Too many successful businessmen seem to have very few when it comes to making money.
 ① quantity ② description ③ agreement ④ principle
1738. Passports and birth certifications are often used as proof of one's
 ① identity ② tool ③ failure ④ result
1739. You must your bank immediately if your credit card is lost or stolen.
 ① found ② provide ③ inform ④ cure
1740. Your job is to the meeting and report back to the board of directors.
 ① reply ② attend ③ discover ④ contrast
1741. George Washington Carver once observed that ninety-nine percent of the come from people who have the habit of making excuses.
 ① diseases ② agreement ③ duties ④ failures
1742. Norway is generally as one of the best countries to live in, according to an annual U.N. report.
 ① regarded ② generated ③ protected ④ attempted
1743. She her entire life to help the poor and homeless of Africa.
 ① invented ② generated ③ informed ④ dedicated
1744. The boss is pretty busy, so he can only a few minutes to talk to you today.
 ① cure ② pause ③ spare ④ mention
1745. Surprisingly, she did not feel nervous, or about her actions.
 ① grateful ② regretful ③ helpful ④ peaceful
1746. Bright stars appear bright simply because our eyes more energy per second from them than from faint stars.
 ① distinguish ② provide ③ found ④ receive
1747. The prophet Muhammad told his followers to be kind and to the poor and the weak.
 ① generous ② famous ③ religious ④ wonderful

1748. The doctor hoped to him, but the patient had waited too long for treatment.
 1 create 2 hug 3 cure 4 invent
1749. The capital city of the Dominican Republic was by Christopher Columbus' brother, Bartolome, in 1496.
 1 received 2 provided 3 combined 4 founded
1750. I can't believe it. He gave an hour-long speech and did not even once to look at his notes.
 1 inform 2 translate 3 discover 4 pause
1751. Future will have to live with the results of our wasteful lifestyle.
 1 generations 2 locations 3 collections 4 strategies
1752. Without more data we cannot make a/an comparison of the two systems.
 1 enjoyable 2 meaningful 3 willing 4 countless
1753. A Chinese proverb notes that the road is an easy way, but every one loves the side streets.
 1 quiet 2 normal 3 main 4 willing
1754. In Japan, gas stoves are preferred to electric stoves, because gas higher temperatures for frying food.
 1 receives 2 contrasts 3 provides 4 develops
1755. He worked several colleagues to finish on time.
 1 by the way 2 rather than 3 on his own 4 along with
1756. The computer mouse lets you control the of the pointer on your screen.
 1 combination 2 location 3 solution 4 inspiration
1757. This game will continue to excitement for a long time.
 1 spare 2 attend 3 generate 4 value
1758. I'll send you some English food and a / an of how to prepare it.
 1 description 2 condition 3 election 4 connection
1759. My teacher once said that the strength and power of a country depends absolutely on the of good men and women in it.
 1 generation 2 failure 3 quantity 4 product
1760. Scientists are now mapping patterns of tiny differences in DNA which one human from another.
 1 translate 2 invent 3 bring up 4 distinguish
1761. During a/an week, you can expect to do about 4 to 5 hours of homework.
 1 ordinary 2 generous 3 famous 4 enjoyable
1762. Could you the meeting to Charlie when you see him? I don't want him to forget.
 1 collection 2 solution 3 mention 4 develop
1763. The carpet has a very tight, and will last a lifetime.
 1 pause 2 weave 3 generation 4 solution
1764. Mr. Norris said he was hopeful that his request would a positive response.
 1 attempt 2 protect 3 handle 4 elicit
1765. The two countries signed a / an in 1988 to jointly launch and develop satellites.
 1 blessing 2 agreement 3 principle 4 location
1766. I think the meeting is at 4:00, but I'm not sure, so I'll check with my supervisor, and phone you back to
 1 replace 2 found 3 confirm 4 pause
1767. The change in his behavior is clearly a/an that there is a problem.
 1 mental 2 emotional 3 custom 4 signal
1768. Light from the ceiling moved over the carved wood Quiss.
 1 uncertainly 2 unconditionally 3 wonderful 4 calmly
1769. We should the equipment to make sure that it's working properly.
 1 mistake 2 face 3 check 4 reflect
1770. Your grandfather's has certainly improved as a result of the operation.
 1 site 2 belief 3 condition 4 feeling
1771. I am not really with the idea of allowing young children to play violent video games.
 1 fortunate 2 comfortable 3 respectful 4 frightened
1772. There is an Arabian proverb which states that if you visit your friends, you will be more loved.
 1 correctly 2 exactly 3 nicely 4 rarely



1773. We have to the results of our three surveys into one chart to explain to the class.
 1 combine 2 achieve 3 expect 4 accept
1774. During the war, women went to work in the factories to the men who were fighting.
 1 reply 2 check 3 replace 4 receive
1775. Employers usually decide within five minutes whether someone is for the job.
 1 mental 2 suitable 3 emotional 4 local
1776. Each company is fighting to its own commercial interests.
 1 found 2 carry 3 happen 4 protect
1777. She to lose her job. She was actually stealing from the company!
 1 deserves 2 agrees 3 breaks 4 compares
1778. I've been having some problems at work with my boss, but I'm sure I'll be able to the situation.
 1 spend 2 consider 3 handle 4 prepare
1779. The people of Holland are very to the Canadian soldiers who helped to liberate their country during the Second World War.
 1 successful 2 grateful 3 cheerful 4 hopeful
1780. I what I would be doing now in this strange country without your kind help.
 1 suppose 2 wonder 3 prefer 4 hate
1781. He was absolutely, as he was speaking in a language with which I was not familiar with.
 1 proud 2 skillful 3 monolingual 4 incomprehensible
1782. The education which is beyond high school, especially at a college or university, is technically know as education.
 1 higher 2 creative 3 advanced 4 intermediate
1783. Police tried to control the large group of supporters the famous artist. (هنر ۹۸)
 1 seeking 2 absorbing 3 surrounding 4 identifying
1784. The road system was so that we had to stop several times to find out if we were driving in the right direction.. (هنر ۹۸)
 1 harmful 2 invisible 3 traditional 4 complicated
1785. There was a large on the wall saying "No parking"..... (هنر ۹۸)
 1 plan 2 space 3 notice 4 abbreviation
1786. If you just the great number of people who are leaving our town in search for a job somewhere else, you may rightly conclude that our town has no future. (تجربی ۹۸)
 1 consider 2 suggest 3 suppose 4 expect
1787. It is no surprise that Neil didn't learn much in that course; he actually didn't attend classes as he should leave. (تجربی ۹۸)
 1 really 2 necessarily 3 emotionally 4 regularly
1788. parents often forget how important it is to talk to a child, and I think that lack of communication between these two makes understanding more difficult. (تجربی ۹۸)
 1 customs 2 diversities 3 combinations 4 generations
1789. We didn't win this time, but we never became hopeless and live to another day. (انسانی فارغ از کشور ۹۸)
 1 fight 2 rise 3 lose 4 defend
1790. The police are asked to take immediate action to further road accidents. (انسانی فارغ از کشور ۹۸)
 1 save 2 defend 3 prevent 4 surround

وقتی به لغت‌های نا آشنا در متن برخورد می‌کنیم.

برای همه ما بارها اتفاق افتاده است که وقتی متنی را می‌خوانیم، با لغت‌هایی برخورد می‌کنیم که معنی آن‌ها را نمی‌دانیم. بهتر است بدانیم برای درک یک متن نیازی نیست تمام کلمه‌های آن را بلد باشیم، ولی بعضی مواقع لازم است معنی برخی از کلمات را بلد باشیم. یکی از راه‌هایی که بتوانیم معنی کلمه را در متن بفهمیم، حدس زدن معنی آن کلمه با توجه دیگر کلمات آن جمله است. به مثال زیر توجه کنید:

psychology is generally defined as the science of behavior and mental processes ...

فرض کنید که کلمه psychology را نمی‌دانید، ولی می‌توانید جمله را بدون دانستن معنی آن ترجمه کنید و از روی آن ترجمه معنی psychology را حدس بزنید.

معنی: psychology به‌طور کلی و بنا به تعریف عبارت است از علم رفتار و فرایندهای ذهنی ...

پس می‌توانیم متوجه شویم که psychology علم مربوط به رفتار و ذهن است که می‌تواند همان روان‌شناسی باشد؛ بنابراین توانستیم معنی psychology را به خوبی حدس بزنیم.

کلوزنت‌ها

Cloze 1

The story of language should begin with the story of how men first learned to talk. But of course no one knows. We can be quite ... 1791 ... that no one person invented language. None of the early people suddenly ... 1792 ... of making words and sentences and then taught all the ... 1793 ... to talk this way. Language must have ... 1794 ... little by little. Perhaps the first words were things ... 1795 ... "oh" or "yo ho" used in order to send messages to other people. Slowly these simple words turned into a complex system.

- | | | | |
|-----------------|--------------|------------|--------------|
| 1791. 1 silent | 2 sure | 3 active | 4 interested |
| 1792. 1 hated | 2 excited | 3 moved | 4 thought |
| 1793. 1 other | 2 others | 3 another | 4 each other |
| 1794. 1 grown | 2 destroyed | 3 affected | 4 written |
| 1795. 1 such as | 2 instead of | 3 toward | 4 against |

Cloze 2

Through going to college, you can get a higher degree. Generally, you must be 18 years old or over to enter higher education, having completed primary school and secondary education first. Usually some kind of selection ... 1796 ..., for example exams. Sometimes no selection ... 1797 some open universities encourage older adults to apply, whether they were good at school or not.

The importance of higher education in society changes ... 1798 ... the country: for example, in many countries a student goes to university to obtain a ... 1799 ... for work, but university is also often a time during which the student learns to be independent. Students also learn to mix with people of different origins, ... 1800 ... to grow as people.

- | | | | |
|----------------------|---------------|------------|------------------|
| 1796. 1 was used | 2 is used | 3 used | 4 have been used |
| 1797. 1 prepares | 2 challenges | 3 decides | 4 exists |
| 1798. 1 according to | 2 rather than | 3 thorough | 4 by means of |
| 1799. 1 diploma | 2 register | 3 medicine | 4 addition |
| 1800. 1 but | 2 or | 3 and | 4 so |

Cloze 3

Acronyms, i.e. words such as RADAR and UNICEF, are formed by using the beginning letters or syllables of other words. The acronyms have been used ... 1801 ... in scientific and technical fields. Advances in electronic and space research ... 1802 ... new concepts and devices that can be easily understood by shortening their lengthy ... 1803 ... names. Acronyms are popular because they are often easier to ... 1804... and say than complicated names, and so the communication of ideas is made simple. Sometimes, ... 1805 ... using unfamiliar acronyms may cause confusion.

- | | | | |
|---------------------|-----------------|-----------------|-----------------|
| 1801. 1 suddenly | 2 morally | 3 particularly | 4 economically |
| 1802. 1 to produce | 2 were produced | 3 producing | 4 have produced |
| 1803. 1 descriptive | 2 affirmative | 3 communicative | 4 donative |
| 1804. 1 include | 2 connect | 3 remember | 4 rely |
| 1805. 1 besides | 2 however | 3 whereby | 4 rather |

Cloze 4

People have long been interested in having one language that could be spoken ... 1806 ... the world. such a language could help ... 1807 ... understanding and better feeling among ... 1808 A universal language also would increase cultural and economic ... 1809 ... among various countries. Through the years, at least 600 universal languages ... 1810 ... of which Esperanto is the most successful tongue. About 10 million people have learned it so far.

- | | | | |
|-----------------------|----------------------|-------------|------------------|
| 1806. ① above | ② all over | ③ toward | ④ during |
| 1807. ① prevent | ② prefer | ③ compare | ④ improve |
| 1808. ① nations | ② languages | ③ words | ④ pronunciations |
| 1809. ① differences | ② values | ③ relations | ④ harms |
| 1810. ① have invented | ② have been invented | ③ invented | ④ were invented |

Cloze 5

The underground rock on volcanic Islands is often very hot. When underground water meets hot volcanic rock, the water boils. Some of the hot water evaporates into steam, ... 1811 ... the steam pushes the hot water up into the air. When this ... 1812 ... the hot water ... 1813 ... a geyser. Iceland is a volcanic Island with a lot of geysers. Iceland is cold, but even in winter, there are hot water pools ... 1814 ... people can swim. Plants grow well in the warm ground ... 1815 ... the geysers.

- | | | | |
|--------------------|---------------|----------------|-------------|
| 1811. ① or | ② and | ③ so | ④ but |
| 1812. ① happen | ② happens | ③ is happening | ④ happened |
| 1813. ① was called | ② were called | ③ are called | ④ is called |
| 1814. ① what | ② when | ③ where | ④ why |
| 1815. ① near | ② away | ③ later | ④ far |

درک مطلب‌ها

Passage 1

Both men and women are living longer these days in the industrialized countries. However, women, on the average, live longer. In general, they can expect to live six or seven years more than men. The reasons for this are both biological and cultural.

One important biological factor that helps women live longer is the difference in hormones between men and women. Hormones are chemicals which are produced by the body to control various body functions. Between the ages of about 12 and 50, women produce hormones that are involved in fertility. These hormones also have a positive effect on the heart and the blood flow. In fact, women are less likely to have high blood pressure or to die from heart attacks.

The female hormones also protect the body in another way. They help the body to defend itself against some kinds of illnesses. This means that women generally get sick less often and less seriously than men.

The common cold is a good example: women, on average, get fewer colds than men.

Women are also helped by their female genes. Scientists are still not exactly sure how genes influence ageing, but they believe that they do. Some think that a woman's body cells age more slowly than man's. Others think that a man's body cells age more quickly. Recent research seems to support both of these possibilities. (متن مصدق: زبان ۹۸)

1816. What is the main purpose of the passage?

- ① To explore reasons for a fact
- ② To compare and contrast two different findings
- ③ To follow the historical line of a new development
- ④ To show the role of medical advancement in people's life expectancy

1817. How many biological factors does the passage mention as having an effect on women's living longer than men?

- ① One
- ② Two
- ③ Three
- ④ Four

1818. what is the purpose of the example mentioned in paragraph 3?

- ① To emphasize the role of illnesses in reducing people's hope of living long
- ② To prove that hormones can in fact help women in more than two ways
- ③ To support the claim made for the role of the female hormones
- ④ To refer to the most important illness influencing women

1819. Which of the following statements is supported by the passage?

- ① Not all men live shorter lives than women do.
- ② Men used to live longer than women before the world became industrialized.
- ③ Scientists believe that genes are more effective than hormones to help women live long.
- ④ Scientists agree with one another about how genes make women age more slowly than men.

Passage 2

It is said that about 40 percent of the world's population use social media, and many of these billions of social media users look up to influencers to help them decide what to buy and what trends to follow. So what is an influencer and how do we become one?

An influencer is a person who can influence the decisions of their followers because of their relationship with their audience and their knowledge in a particular area, e.g. fashion, travel or technology. Influencers often have a large following of people who pay close attention to their views. They have the power to make people buy things, and influencers are now seen by many companies as a direct way to customers hearts. Brands are now asking powerful influencers to market their products. With some influencers asking for \$25,000 for one social media post, it is no surprise that more and more people are interested in becoming influencers too. If you are one of them, then here are five tips on how to do it.

First, choose your niche. What is the area that you know most about? What do you feel most excited talking about? Find the specific area that you're most interested in and develop it. Next, choose your medium and write an interesting bio. Most influencers these days are bloggers and micro-bloggers. Decide which medium—such as our own online blog, Instagram or Snapchat—is the best way to connect with your followers and chat about your niche area. When you have done that, write an attention grabbing bio that describes you and your specialty area in an interesting and unique way. Make sure that people who read your bio will want to follow you.

(انسانی فارغ از کشور ۹۸)

1820. What is the main purpose of paragraph 3?

- | | |
|---|---|
| 1 To describe who an influencer is | 2 To identify new ways of social media |
| 3 To help influencers do their job better | 4 To explain why people follow social media posts |

1821. It can be understood from the passage that more and more people would like to be influencers because in this way they could

- | | |
|--|---|
| 1 have a large number of followers | 2 make a considerable amount of money |
| 3 increase their knowledge in different fields | 4 help people make the right decisions in their lives |

1822. According to the passage, what is an influencer's niche?

- | | |
|---|---|
| 1 His / Her followers | 2 The companies he / she works for |
| 3 The area in which he / she is knowledgeable | 4 His / Her social media posts as an influencer |

1823. Which of the following is NOT named as a medium in paragraph 3?

- | | | | |
|---------------|-------------|------------|-------|
| 1 online blog | 2 Instagram | 3 Snapchat | 4 Bio |
|---------------|-------------|------------|-------|

Passage 3

In the early 1990s many villages turned to solar power in parts of Africa where life was hard because of the absence of electricity. Perhaps the greatest project of this nature, and one that is often mentioned, is a Zimbabwean project supported by UNDP through the Global Environment Facility (GEF). The plan, jointly funded by GEF (\$7m) and Zimbabwe (\$400,000), made use of some 9,000 solar power systems throughout the country to improve living standards, but also to decrease land degradation and pollution. Shamva, 70 kilometers from Zimbabwe's capital, Harare, is now one of the best solar-village models in the country. Fifty-two commercial farming families share systems: there is one system for every two houses. Each family has two lamps and a connection for a radio or small television set. The new lighting systems have improved the quality of life for the community. They have increased study hours for schoolchildren, reduced rural-to-urban migration in the area, and upgraded health standards by electrifying a local health center.

(تجربی ۹۸)

1824. What is the best title for the passage?

- | | |
|--|----------------------------------|
| 1 Shamva's Farmers Share Solar Power Systems | 2 Zimbabwean Development Program |
| 3 Future of Solar Power in Africa | 4 New Ways to Produce Energy |

1825. According to the passage, the Zimbabwean project

- | |
|---|
| 1 has been successful in one particular village |
| 2 has been financially supported by the Zimbabwean government only |
| 3 has influenced the living standards of some rural people in Zimbabwe |
| 4 has a long way to go before its effects can be actually observed in people's life |

1826. Which of the following is TRUE about Shamva?

- | |
|--|
| 1 It did not use to have a local health center |
| 2 It is the closest village to Zimbabwe's capital |
| 3 It is located in an area where access to electricity is very difficult |
| 4 It is equipped with some solar systems shared by the families living there |

1834. It can be understood from the passage that men can improve their physical condition by

- 1 doing housework 2 giving their jobs to women
3 working jobs with more responsibility 4 taking better care of their health problems

1835. Which of the following statements is TRUE, according to the passage?

- 1 Women in the past did not smoke because it was considered a socially negative habit.
2 The difference in life expectancy between men and women is very likely to become smaller.
3 Women's health problems and those of men are similar in terms of both their causes and effects.
4 If women realize their health problems are because of their new social roles, they would renew their past habits.

Grammar

1836. While Iceland's rocks are no older than 65 million years old, rocks 3.8 billion years old on Greenland, just 185 miles away.

- 1 has been found 2 have been found 3 have been finding 4 has been finding

1837. Don't do that again,

- 1 will you 2 would you 3 won't you 4 you will

1838. The meeting's at four o'clock,

- 1 is it 2 doesn't it 3 isn't it 4 it does

1839. This course began a few weeks ago, I have been studying very hard since that time.

- 1 and 2 or 3 nor 4 so

Vocabulary

1840. Business leaders are calling on the government to cut taxes in order to the economy.

- 1 donate 2 share 3 protect 4 boost

1841. It is said that the people of the Highlands of Scotland like to live and leisurely.

- 1 calmly 2 suddenly 3 hopefully 4 kindly

1842. It is important to learn a/an which will help you to deduce the meaning of new vocabulary from context.

- 1 ordinary 2 location 3 process 4 condition

1843. In order to understand our earth and the processes which operate upon it, one must to comprehend time spans of millions of years.

- 1 generate 2 attempt 3 spare 4 inform

1844. He once remarked that poverty is a way of living and thinking, and not just a of money or things.

- 1 lack 2 plan 3 result 4 strategy

1845. They emphasized that their equipment was for and not military purposes.

- 1 helpful 2 meaningful 3 wonderful 4 peaceful

1846. When you look at cows, you should remember that the greatest scientists in the world have never how to turn grass into milk.

- 1 translated 2 discovered 3 invented 4 developed

1847. Ancient Egyptians the heart as the center of intelligence and emotion.

- 1 regarded 2 received 3 advice 4 donated

Cloze test

Manga is the Japanese word for comics or cartoons. In Japan, people of all ages read these stories and ... 1848 ... have special cafes where people drink coffee and read manga. ... 1849 ... kinds of mangas are available, ... 1850 ... adventure, love stories and so on. The manga books and magazines that are read by Japanese boys look very different from ... 1851 ... written for Japanese girls. Sales of manga have grown a lot in Japan ... 1852 ... the 1950s. Most Japanese mangas are still just in black and white. Some international manga comics are like this too, but color ones are usually more popular.

1848. 1 instead 2 almost 3 even 4 ever
1849. 1 Many 2 Every 3 Much 4 More
1850. 1 included 2 includes 3 including 4 to include
1851. 1 these 2 them 3 those 4 us
1852. 1 since 2 until 3 between 4 through

Passage 1

I've always wanted to learn how to dance. When I was younger, I loved going to discos and I used to spend hours practicing my moves in front of the mirror! I think I was quite good, but as I got older, I became less confident. Recently I decided I'd join a dance class. The problem with most dance classes is that you need a partner and none of my male friends ever wanted to come with me. I was beginning to give up on the idea when I came across a magazine about Indian dancing. It sounded great and best of all I could do it on my own! So, I found a class on the internet and booked myself onto a course.

I turned up for our first lesson feeling very nervous, I didn't have to worry because everyone was really friendly. We were all females, the youngest was about eighteen and the oldest was forty something.

Our teacher came in looking fantastic in her traditional dance clothes and we soon all caught her energy and enthusiasm. She put on the music immediately which was a combination of western pop songs set to an Indian beat and we started following her moves. Any nervousness soon disappeared because the moves were so complicated there was no time to worry about whether you're doing them right!

I've noticed a lot of changes about myself since I started dancing. I'm much fitter and I feel more confident. I've also made some great friends at the class. If you're interested in dancing or you just want to feel fitter, I'd recommend Indian dance!

1853. What is the writer's main purpose in writing the text?

- 1 to describe her childhood 2 to say how she began her hobby
 3 to explain why she likes dancing 4 to talk about the people she has met

1854. What would a reader learn about the writer from the text?

- 1 she is good at Indian dancing. 2 she enjoys dancing.
 3 she likes listening to pop music. 4 she's interested in keeping fit.

1855. What does the writer say about herself?

- 1 she hasn't always been confident. 2 she doesn't enjoy doing new things.
 3 she likes meeting people. 4 she was a very nervous child.

1856. What does the writer say about the first dance class?

- 1 Everybody was keen to dance. 2 Nobody spoke to each other at first.
 3 Everybody admired the teacher. 4 A lot of time was spent discussing the moves.

Passage 2

Industrialized nations depend on fossil fuels (mainly oil, gas and coal) for most of their energy. Oil is the most popular source of energy, being easy to transport and, until recently, relatively cheap.

It supplies about half of the energy needs of the U.S.A and Western Europe. Although the Soviet Union is currently the world's biggest producer of oil, nearly 60% of the world's proven reserves lie in the Middle East, a politically volatile region. The dangers of depending primarily on the Middle East to supply a commodity of such importance to the prosperity of the western world became obvious in 1973, when a politically-motivated interruption in oil supplies by Arab producers led to an oil crisis which caused prices to rise sharply and threatened the economic stability of the world. As a result, the major non-communist oil-importing nations agreed at a series of summit meetings to make efforts to reduce their consumption of oil and to develop alternative sources of energy.

1857. Which one of the following isn't mentioned as a fossil fuel in this text?

- 1 oil 2 wind 3 gas 4 coal

1858. Why is oil the most popular source of energy? Because it is

- 1 political and motivated. 2 political and volatile.
 3 transportable and cheap. 4 threatening and economic.

1859. What is the best title for this passage?

- 1 Fossil fuels 2 Industrialized nations 3 Middle East and oil 4 The energy crisis

1860. What is the first result of the oil crisis?

- 1 Stability of economy 2 Oil consumption 3 More import 4 Rising prices

۱۶۳۹. **گزینه ۲** «وقتی که در دبیرستان بودیم، مجبور بودیم اسامی عناصر شیمیایی جدول تناوبی عنصرها را حفظ کنیم»
(۱) نگرش‌ها / (۲) عناصر / (۳) سوغاتی‌ها / (۴) هدایا
۱۶۴۰. **گزینه ۱** «کتاب دستور زبان شامل لیست‌هایی از افعال بی‌قاعده، افعال دوکلمه‌ای و قوانین املائی است.»
(۱) شامل شدن / (۲) علاقه‌مندبودن / (۳) سهیم شدن / (۴) شروع کردن
۱۶۴۱. **گزینه ۴** «در کشور الجزایر فرهنگ دیکته می‌کند که شرافت خانواده بیشتر به رفتار زنان بستگی دارد.»
(۱) عنصر / (۲) منبع / (۳) نتیجه / (۴) رفتار
۱۶۴۲. **گزینه ۳** «زمانی که اشعه‌های خورشید به زمین می‌خورد، گرما در فضا منعکس می‌شود.»
(۱) تمرین کردن / (۲) اشاره کردن / (۳) منعکس شدن / (۴) قول دادن
۱۶۴۳. **گزینه ۲** «اولین جامعه مدرن سیاه‌پوستان در جهان در سال ۱۸۴۴ در لیبیا توسط بردگان سابق و سیاه‌پوستان ایالات متحده تأسیس شد.»
(۱) هیجان‌زده / (۲) سابق / (۳) شگفت‌زده / (۴) خسته
۱۶۴۴. **گزینه ۱** «راه‌های خلاقانه‌ای برای پول درآوردن به ذهنشان رسید.»
(۱) خلاقانه - نو / (۲) تزئینی / (۳) تنوع / (۴) تلاش کردن
۱۶۴۵. **گزینه ۲** «این کتاب تمرین‌هایی برای آزمون تافل دارد که ممکن است مفید باشد.»
(۱) آفریدن / (۲) تمرین / (۳) سهم‌ها / (۴) محصولات
۱۶۴۶. **گزینه ۴** «جان کندی گفت که شعر به ما غنا و تنوع هستی را یادآوری می‌کند.»
(۱) اضافی / (۲) فرهنگی / (۳) اشتباه کردن / (۴) تنوع
۱۶۴۷. **گزینه ۴** «او در آزمون کتبی خیلی خوب عمل کرد؛ ولی در طول آزمون شفاهی به‌حدی عصبی شد، که اصلاً نتوانست دهانش را باز کند.»
(۱) خارجی / (۲) زیادی / (۳) بومی / (۴) شفاهی
۱۶۴۸. **گزینه ۳** «زیاد تلویزیون دیدن به‌نظر می‌رسد اثر منفی روی تحصیل بچه‌ها دارد.»
(۱) بررسی کردن / (۲) اشتباه کردن / (۳) به‌نظر رسیدن / (۴) تمرین کردن
۱۶۴۹. **گزینه ۱** «مادرت و من هر کاری که لازم است می‌کنیم تا کمک کنیم برای دانشگاه آماده شوی.»
(۱) لازم / (۲) غیرمستقیم / (۳) غیرممکن / (۴) سلامتی
۱۶۵۰. **گزینه ۲** «در چین چه زبانی صحبت می‌شود؟»
در جای خالی فعل مجهول می‌خواهیم، چون در جمله فاعل نداریم و در واقع language مفعول است؛ بنابراین «spoken» درست است.
۱۶۵۱. **گزینه ۴** «می‌دانید تلفن چه‌زمانی اختراع شد؟»
وقتی به معنی جمله دقت می‌کنیم، می‌توانیم بفهمیم که فاعل در جمله وجود ندارد؛ بنابراین متوجه شویم که جمله مجهول است و در جای خالی فعل مجهول می‌آید. بنابراین گزینه «۴» was invented درست است.
۱۶۵۲. **گزینه ۱** «آن‌ها سال آینده یک آپارتمان جدید خواهند خرید.»
در جای خالی باید یک فعل معلوم بگذاریم، چون فاعل جمله they مشخص است و بعد از جای خالی a new apartment که مفعول است را داریم؛ بنابراین will buy درست است. نکته دیگری که در اینجا وجود دارد، این است که در جمله قید زمان، آینده را نشان می‌دهد؛ پس بهتر است از فعل آینده ساده در جای خالی استفاده کنیم.
۱۶۵۳. **گزینه ۳** «در تصادف چند نفر صدمه دیدند؟»
با توجه به معنی جمله می‌توانیم متوجه شویم که فاعل در این جمله سؤالی حذف شده، از طرفی people مفعول و جمع است؛ پس بهتر است گزینه «۳» را انتخاب کنیم.
۱۶۵۴. **گزینه ۲** «گل‌ها باید در مکانی گرم نگهداری شوند.»
جمله دارد به مخاطب پند می‌دهد؛ پس فعل کمکی should را انتخاب می‌کنیم. دوم اینکه فاعل جمله حذف شده و The flowers مفعول است؛ بنابراین Should be kept درست است.
۱۶۵۵. **گزینه ۴** «خانه داشت تمیز می‌شد، وقتی که رسیدم.»
وقتی به قبل و بعد از جای خالی نگاه می‌کنیم، می‌توانیم بفهمیم که فاعل جمله حذف شده است. خانه را چه کسی تمیز کرده، یعنی در جمله، کننده کار مجهول است.
۱۶۵۶. **گزینه ۱** «بچه‌ها باید زود بخوابند، مگر نه؟»
در جای خالی shouldn't they? را می‌آوریم، چون در tag question ها وقتی در قسمت جمله خبری فعل مثبت باشد، در طرف سؤال کوتاه فعل منفی می‌شود؛ بنابراین گزینه «۱» جواب درست است.
۱۶۵۷. **گزینه ۲** «بچه‌های زیادی پشت در هستند، مگر نه؟»
فعل کمکی جمله خبری، are و مثبت است؛ بنابراین در قسمت سؤال کوتاه باید are منفی شود. نکته دیگری که در این سؤال وجود دارد این است که در قسمت سؤال کوتاه there به همراه aren't می‌آید.
۱۶۵۸. **گزینه ۱** «هوا خوب است، بیا برویم بیرون بازی کنیم، می‌آیی؟ می‌شود؟»
وقتی در جمله Let's داریم، در قسمت سؤال کوتاه shall we می‌آوریم. بنابراین گزینه «۱» درست است.
۱۶۵۹. **گزینه ۳** «او اعتراف کرد که اتومبیل را دزدیده بود، مگر نه؟»
فعل confessed زمان گذشته ساده را نشان می‌دهد؛ بنابراین فعل کمکی didn't را در قسمت سؤال کوتاه می‌آوریم.
۱۶۶۰. **گزینه ۲** «می‌توانید در کتابخانه دانشگاه یا اتاق آرام خوابگاه درس بخوانید، ولی باید مکانی آرام را به‌زودی برای مطالعه کردن پیدا کنید.»
در جای خالی اول حرف ربط or می‌آید، چون داریم بین دو کار انتخاب می‌کنیم، ولی در جای خالی دوم but می‌آید؛ زیرا می‌خواهیم مغایرت و تضاد را نشان بدهیم.
۱۶۶۱. **گزینه ۴** «سفارت خرج شهریه، کتاب‌ها و غذای یکی از همکلاسی‌های مرا، پرداخت می‌کند، ولی من باید کار کنم تا شهریه‌ام را بپردازم.»
در این قسمت می‌خواهیم مغایرت و یا تضاد بین دو چیز را نشان بدهیم. در قسمت اول سؤال می‌گوید که سفارت شهریه یکی از هم‌کلاسی‌هایم را می‌دهد، «ولی» این but نشان می‌دهد که در جمله دوم پرداخت شهریه برای من صورت نمی‌گیرد.
۱۶۶۲. **گزینه ۱** «بعد از اینکه درس را تمام کردم، کار پیدا خواهم کرد یا به کشورم برمی‌گردم.»
در این سؤال با مقایسه دو جمله دو طرف جای خالی متوجه می‌شویم که انتخاب بین دو چیز دارد اتفاق می‌افتد؛ بنابراین or درست است.
۱۶۶۳. **گزینه ۲** «کل سال را داشتم کار می‌کردم؛ بنابراین قصد دارم تابستان را به تعطیلات بروم.»
با فهمیدن معنی جمله اول متوجه می‌شویم که در قسمت دوم دارد یک نتیجه‌گیری اتفاق می‌افتد؛ بنابراین در جای خالی حرف ربط so می‌آید.
۱۶۶۴. **گزینه ۳** «می‌توانی در خانه بمانی و برای امتحان بخوانی یا می‌توانی بیرون بروی و لذت ببری.»
با توجه به معنی عبارات‌های دو طرف جای خالی، می‌توان این نتیجه را گرفت که انتخاب بین دو کار مطرح است؛ بنابراین or درست است.
۱۶۶۵. **گزینه ۴** «همیشه از مطالعه زبان‌های دیگر لذت برده‌ام؛ ولی فکر می‌کنم که انگلیسی خیلی سخت است.»
از مفهوم جمله اول می‌فهمیم که تضادی وجود دارد که این مغایرت بین دو جمله با حرف ربط «but» پر می‌شود.
۱۶۶۶. **گزینه ۳** «تابستان گذشته کتابخانه توسط بچه‌های زیادی مورد استفاده قرار گرفت.»
زمان جمله گذشته است، پس گزینه‌های «۱» و «۲» حذف می‌شوند؛ اما با توجه به مفهوم جمله، می‌توانیم بفهمیم که فاعل یا کننده کار از جمله حذف شده است. نکته مهم این سؤال این است که فاعل از اول جمله حذف نشده است و با حرف اضافه by بعد از جای خالی آمده است. Many children فاعل جمله است، ولی اول جمله نیامده است؛ بنابراین فعل جمله مجهول است و was used درست است.
۱۶۶۷. **گزینه ۴** «من آن‌ها را به جشن عروسیم دعوت کردم، ولی ممکن است تصمیم بگیرند نیایند.»
اطلاعاتی که در تضاد با جمله قبل است را با but می‌آوریم.
۱۶۶۸. **گزینه ۲** «یک زن در گذشته ایالات متحده به ریاست جمهوری انتخاب نشده است.»
با توجه به گزینه‌ها، فعل elect به معنی انتخاب کردن نیاز به مفعول دارد، از طرفی قبل از جای خالی A woman را داریم که مفعول جمله است؛

پس در جای خالی باید یک فعل مجهول بیاوریم. قید زمان in the past نشان‌دهنده زمان گذشته است و A woman هم مفرد است؛ بنابراین was not elected درست است.

۱۶۶۹. گزینه ۳ «اقدامات مختلفی در حال انجام هستند تا به مشکلات محیط زیست کمک شود.»

از قید زمان these days می‌توانیم بفهمیم که زمان جمله، حال استمراری است، از طرفی Different actions هم مفعول است؛ بنابراین are being taken درست است.

۱۶۷۰. گزینه ۴ «همه دانش‌آموزان شب گذشته توسط شرکت امور تلفن‌ها مصاحبه شدند.»

یکی از نشانه‌های مهم جملات مجهول وجود by در جمله است. با توجه به معنی و مفهوم جمله متوجه می‌شویم که All the students کننده کار نیست و نقش مفعولی دارد. چون اول جمله آمده؛ بنابراین بعد از آن فعل مجهول were being interviewed می‌آید. All the students جمع است و در جمله قید زمان last night است؛ بنابراین گزینه ۴ درست است.

۱۶۷۱. گزینه ۱ «پول زیادی توسط والدین بچه‌ها به او داده می‌شود.»

by یکی از نشانه‌های مجهول بودن جمله است. در واقع The children's parents فاعل جمله است، ولی چون A lot of money اول جمله آمده و مفعول هم است، در جای خالی فعل مجهول می‌آوریم. زمان جمله حال استمراری است، چون نشانه یا قیدی مربوط به زمان گذشته یا آینده در جمله نیست.

۱۶۷۲. گزینه ۲ «تلفن توسط الکساندر گراهام بل اختراع شد.»

در جمله فعل was invented مجهول است و Alexander Graham Bell هم فاعل است؛ بنابراین قبل از آن در جای خالی by می‌آید.

۱۶۷۳. گزینه ۳ «زمین کنار خانه ما اخیراً به دولت فروخته شده است.»

زمین فروخته شده است. چه کسی آن را فروخته است؟ مشخص نیست که کننده کار کجاست؛ بنابراین فعل جمله مجهول است. از طرف دیگر باید بدانیم که زمان فعل جمله حال کامل است، اول به خاطر قید recently و دوم به خاطر معنی جمله «دولت اخیراً زمین را خریده است.»

۱۶۷۴. گزینه ۴ «معلم فکر کرد که درس قبلاً دوره شده بود.»

با بررسی ساختار جمله متوجه می‌شویم که The lesson مفعول است و در جای خالی بعد از آن به فعل مجهول نیاز داریم. بنابراین گزینه ۴ درست است.

۱۶۷۵. گزینه ۴ «بازیکن فوتبال به خارج از زمین فرستاده شد، چون بر سر دیگر بازیکن‌ها فریاد می‌زد.»

کننده کار در این جمله مشخص نیست. در واقع The footballer مفعول است، پس فعل باید مجهول باشد، اما با توجه به معنی جمله متوجه خواهیم شد که زمان جمله گذشته ساده است و The footballer هم مفرد است؛ بنابراین was sent درست است.

۱۶۷۶. گزینه ۳ «این کفش‌ها از زمانی که خریداری شدند چند بار تعمیر شده‌اند؟»

since یکی از نشانه‌های مهم زمان حال کامل است، پس فعل باید در زمان حال کامل بیاید. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد، این است که نمی‌فهمیم چه کسی کفش‌ها تعمیر کرده است، یعنی کننده کار مشخص نیست؛ بنابراین جمله، مجهول است و با توجه به سوالی بودن جمله بهتر است have been repaired انتخاب شود.

۱۶۷۷. گزینه ۲ «انتظار می‌رود که سال آینده قانون جدیدی توسط دولت معرفی شود.»

by یکی از نشانه‌های مجهول بودن جمله است، چون بعد از آن اسم آمده است. اگر به معنی جمله توجه کنید می‌فهمید که قبل از جای خالی برای فعل introduce فاعل نداریم و the government فاعل است؛ بنابراین گزینه‌های «۱» و «۴» حذف می‌شوند. گزینه سوم هم نمی‌تواند جواب باشد، چون نشان‌دهنده آینده در گذشته است؛ بنابراین گزینه ۲ درست است.

۱۶۷۸. گزینه ۴ «زمانی که به محل پارک اتومبیل برگشت، ماشینش آنجا نبود.»

آن (ماشین) دزدیده شده بود. طبق این ساختار، گذشته کامل + گذشته ساده when

باید در جای خالی دوم فعل با زمان گذشته کامل بگذاریم؛ بنابراین گزینه «۴» درست است، از سوی دیگر در جای خالی کننده کار مشخص نیست، پس باید در آنجا یک فعل مجهول بگذاریم.

۱۶۷۹. گزینه ۱ «مردم باید آموزش دیده باشند که چگونه از انرژی به‌طور مناسب استفاده کنند.»

با توجه به معنی جمله می‌توانیم بفهمیم که جمله مجهول است، چون فاعل یا کننده کار مشخص نیست، از طرفی بعد از افعال modal، فعل به‌صورت ساده می‌آید. در اینجا چون باید فعل مجهول بیاوریم؛ پس با توجه به ساختار زیر عمل می‌کنیم.

modal کمکی (can, should, ...) + be + p.p.

۱۶۸۰. گزینه ۴ «مطمئناً می‌دانید که برادران کجا کار می‌کند، مگر نه؟»

فعل در قسمت جمله خبری زمان حال ساده را نشان می‌دهد، پس در قسمت Tag یا سؤال کوتاه باید do یا does بیاوریم، چون جمله خبری مثبت است و در آنجا ضمیر فاعل you هم داریم؛ بنابراین در قسمت سؤال کوتاه don't you می‌آید.

۱۶۸۱. گزینه ۲ «کلاهت مثل کلاه من است، مگر نه؟»

در قسمت جمله خبری «is» مثبت است، پس در قسمت سؤال کوتاه باید منفی بیاید.

۱۶۸۲. گزینه ۳ «مشخص نیست که آن‌ها بمانند، مگر نه؟»

در قسمت سؤال کوتاه باید فعل مثبت بیاید، چون در قسمت جمله خبری «is not» منفی است.

۱۶۸۳. گزینه ۱ «جان دقیقاً شبیه پدرش است، مگر نه؟»

در قسمت جمله خبری looks نشان‌دهنده زمان حال ساده است و جمله خبری هم مثبت است؛ بنابراین در طرف دیگر سؤال کوتاه، منفی می‌آید، با فعل کمکی does.

۱۶۸۴. گزینه ۴ «تو هرگز به کانادا نرفته‌ای، مگر نه؟»

در جمله خبری never جمله را منفی کرده، پس در قسمت سؤال کوتاه فعل have مثبت می‌آید.

۱۶۸۵. گزینه ۲ «او را خوب نمی‌شناسید، مگر نه؟»

در قسمت جمله خبری do not داریم؛ پس در قسمت سؤال کوتاه، فعل مثبت می‌آید.

۱۶۸۶. گزینه ۴ «ساحل خیلی خطرناک است، مگر نه؟»

در قسمت جمله خبری is مثبت است؛ بنابراین در سؤال کوتاه منفی می‌آید.

۱۶۸۷. گزینه ۲ «به او گفتم که برف خواهد آمد، مگر نه؟»

فعل told در قسمت جمله خبری گذشته ساده مثبت است؛ پس در قسمت سؤال کوتاه باید با فعل کمکی did و منفی بیاید، بنابراین didn't درست است.

۱۶۸۸. گزینه ۱ «شروع کنسرت خیلی عالی بود، مگر نه؟»

در قسمت جمله خبری فعل کمکی was مثبت است؛ بنابراین در سؤال کوتاه به صورت منفی می‌آید.

۱۶۸۹. گزینه ۲ «مایل نیست به ماهیگیری برود، مگر نه؟»

«d» در قسمت جمله خبری مخفف would است و فعل منفی است؛ بنابراین در قسمت سؤال کوتاه would he می‌آید.

۱۶۹۰. گزینه ۳ «تیم‌هایی از کشورهای بسیار به رقابت بازی‌های المپیک قبلی دعوت شده بودند.»

در جای خالی فعل مجهول می‌آوریم، چون فاعل در جمله مشخص نیست. فعل جمله باید گذشته ساده باشد، چون در آخر جمله «previous Olympic Games» آمده است.

۱۶۹۱. گزینه ۳ «زمانی که باران شروع شد فوتبال توسط جمعیت بزرگی تماشا می‌شد.»

by یکی از نشانه‌های مجهول بودن جمله است، پس می‌توانیم در جای خالی was being watched را بیاوریم، چون طبق معنی جمله در حین انجام کاری مثل دیدن مسابقه باران بارید، پس در جای خالی فعل زمان گذشته استمراری می‌آید.

۱۶۹۲. گزینه ۳ «آیا می‌دانید که ماریا به‌عنوان برنامه‌نویس کامپیوتری به یک شرکت دعوت شده است؟»

چه کسی ماریا را دعوت کرده است؟ از مفهوم جمله می‌توانیم متوجه شویم که فعل جمله باید مجهول بیاید.

۱۶۹۳. «گزینه ۴» «شما تصمیم عقلانه نگریتید، چون اطلاعات غلط دریافت کرده بودید.»
چون عملی قبل از عمل دیگر رخ داده، پس در جای خالی باید فعل ماضی بعید بیاوریم؛ ولی فاعل و کننده کار مشخص نیست؛ پس فعل جمله مجهول است.
۱۶۹۴. «گزینه ۴» «آپارتمان‌های بسیاری برای کارمندان فقیر در طی پنج سال گذشته ساخته شده است.»
چه کسی آپارتمان ساخته است؟ فاعل جمله مشخص نیست؛ بنابراین فعل جمله مجهول است. با توجه به عبارت last five years، زمان فعل باید گذشته باشد.
۱۶۹۵. «گزینه ۳» «همه غذاها قبل از این که به پیک‌نیک برویم خورده شده بودند.»
چه کسی غذاها را خورده بود؟ فاعل جمله نامعلوم است، پس فعل باید به صورت مجهول بیاید؛ بنابراین had been eaten درست است و این عمل قبل از عمل دیگر رخ داده است، پس باید فعل گذشته کامل بیاید.
۱۶۹۶. «گزینه ۴» «به دانش‌آموزانی که در امتحان قبول نشدند در ماه ژوئن آینده فرصت دیگر داده خواهد شد.»
چه کسی فرصت را خواهد داد؟ مشخص نیست؛ پس فاعل جمله نامعلوم است؛ بنابراین با توجه به قید زمان next June می‌توانیم گزینه «۴» را در جای خالی بیاوریم.
۱۶۹۷. «گزینه ۲» «مدیر گفت: تا آن‌جایی که می‌بینم، چیزی از اداره دزدیده نشده است.»
چه کسی دزدی کرده است؟ مشخص نیست؛ پس کننده کار نامعلوم است. بنابراین با توجه به مفهوم جمله «has been stolen» درست است.
۱۶۹۸. «گزینه ۴» «الف»: به مونا شغل مدیریت پیشنهاد داده شده بود. «ب»: ولی او هیچ تجربه‌ای نداشته است.
چه کسی به مونا پیشنهاد داده است؟ مشخص نیست، پس فعل باید مجهول بیاید.
۱۶۹۹. «گزینه ۴» «معلم عقیده دارد که دانش‌آموزانش به‌سادگی امتحان را قبول خواهند شد، چون آن‌ها باهوش و فعال هستند، مگر نه؟»
در جمله‌های مرکب برای درست کردن سؤال کوتاه از جمله پایه استفاده می‌شود؛ بنابراین از جمله وابسته because سؤال کوتاه نمی‌سازیم.
۱۷۰۰. «گزینه ۲» «حس بویایی من به خاطر آلرژی‌هایم الان خیلی بد است.»
۱) نصیحت / ۲) حس / ۳) دفترچه خاطرات / ۴) تولید
۱۷۰۱. «گزینه ۱» «رئیس به هر کدام از آن‌ها پاداش سخاوتمندانه‌ای جهت قدردانی از تلاش‌هایشان داد.»
۱) قدردانی / ۲) احترام / ۳) اخلاقیات / ۴) اخلاق
۱۷۰۲. «گزینه ۴» «فکر کرد که تعدادی کلمه مهربانانه هم ممکن است اعتماد به نفس او را افزایش بدهد.»
۱) اهدا کردن / ۲) غذا دادن / ۳) متنفر بودن / ۴) افزایش دادن
۱۷۰۳. «گزینه ۳» «بیمارستان به‌منظور نیازهای سالمندان طراحی شده است.»
۱) معمولی / ۲) مشهور / ۳) مسن / ۴) مشتاق
۱۷۰۴. «گزینه ۱» «مایلم شما را نصیحت کنم که هرچه سریع‌تر بروید، وگرنه ممکن است قطار را از دست بدهید.»
۱) نصیحت کردن / ۲) افزایش دادن / ۳) تولید کردن / ۴) بخشیدن
۱۷۰۵. «گزینه ۴» «همان‌طور که اسم‌مان شناخته می‌شود فروش‌های‌مان شروع به افزایش می‌کند.»
۱) اهدا کردن / ۲) متنفر بودن / ۳) دریافت کردن / ۴) افزایش یافتن
۱۷۰۶. «گزینه ۳» «معتقد است که کاربرد درست هنر این است که حقیقت را بگوید.»
۱) اخلاقیات / ۲) نویسنده / ۳) کاربرد / ۴) راه‌حل
۱۷۰۷. «گزینه ۲» «واقعاً به پدر و مادرم احترام می‌گذارم، به خاطر تمام کارهایی که کردند تا من و خواهرم خوب تحصیل کنیم.»
۱) ساختن / ۲) احترام گذاشتن / ۳) تهیه کردن / ۴) مکت کردن
۱۷۰۸. «گزینه ۱» «آن‌ها سابقاً هر ساله مقداری پول را به صلیب سرخ اهدا می‌کردند.»
۱) اهدا کردن / ۲) مقایسه کردن / ۳) جواب دادن / ۴) اطلاع دادن
۱۷۰۹. «گزینه ۳» «زبان غیررسمی مناسب نیست، وقتی شما دارید مقاله‌های آکادمیک می‌نویسید.»
۱) شگفت‌انگیز / ۲) ساکت / ۳) مناسب / ۴) بی‌شمار
۱۷۱۰. «گزینه ۴» «هیچ نمونه‌ای از بیماری اینجا نبود تا اینکه ناگهان سال گذشته نمایان شد.»
۱) تکراری / ۲) بی‌قیدوشرط / ۳) با مهربانی / ۴) ناگهان
۱۷۱۱. «گزینه ۲» «او والدینش را نخواهد بخشید به خاطر کاری که با او کردند.»
۱) کشف کردن / ۲) بخشیدن / ۳) ترجمه کردن / ۴) اختراع کردن
۱۷۱۲. «گزینه ۱» «ترجیح می‌دهم امشب در خانه شب آرامی را بگذرانم تا اینکه بیرون بروم.»
۱) آرام / ۲) اخلاقی / ۳) اصلی / ۴) سخاوتمند
۱۷۱۳. «گزینه ۴» «این دفترچه خاطراتی بود که او افکار درونی و رازهایش را در آن ثبت می‌کرد.»
۱) شعر / ۲) نویسنده / ۳) تولید / ۴) دفترچه یادداشت
۱۷۱۴. «گزینه ۲» «در یک هفته معمولی، می‌توانی انتظار داشته باشی که بین ۱۵ تا ۲۰ لغت را در این کلاس یاد بگیری.»
۱) مشهور / ۲) معمولی / ۳) مشتاق / ۴) راحت
۱۷۱۵. «گزینه ۳» «شاید پله مشهورترین بازیکن فوتبال در تاریخ ورزش باشد.»
۱) بی‌شمار / ۲) صلح‌جویانه / ۳) مشهور / ۴) کمک‌کننده
۱۷۱۶. «گزینه ۲» «تردید شما را برای استخدام شخص با تجربه کم را درک می‌کنم، ولی به شما تضمین می‌دهم که دانش (تحصیلات) و اخلاق کاری من کم‌بودن تجربه را برای شما جبران می‌کند.»
۱) مناسب / ۲) اخلاق / ۳) راحت / ۴) کمک‌کننده
۱۷۱۷. «گزینه ۴» «دستورات خیلی بد نوشته شده بودند، به طوری که یک مهندس برای ترجمه کردن آن‌ها نیاز داشتیم.»
۱) جواب‌دادن / ۲) توسعه‌دادن / ۳) نصب کردن / ۴) ترجمه کردن
۱۷۱۸. «گزینه ۱» «دلایل بی‌شماری وجود دارد که چرا این ایده خوبی نخواهد بود.»
۱) بی‌شمار / ۲) شگفت‌انگیز / ۳) مشتاق / ۴) معمولی
۱۷۱۹. «گزینه ۳» «همسرش الهام‌بخش مستقیم شخصیت اصلی کتاب بود.»
۱) راه‌حل / ۲) مجموعه / ۳) الهام‌بخش / ۴) نام‌بردن
۱۷۲۰. «گزینه ۴» «پول دزدیده‌شده در یک پاکت در یخچال فریزر آپارتمان دزد کشف شد.»
۱) ترجمه کردن / ۲) تولید کردن / ۳) اختصاص دادن / ۴) کشف کردن
۱۷۲۱. «گزینه ۲» «یک ضرب‌المثل قدیمی انگلیسی است که می‌گوید اگر جزئی از راه‌حل نیستی، پس بخش از مشکل هستی.»
۱) کاربرد / ۲) راه‌حل / ۳) نسل / ۴) محل
۱۷۲۲. «گزینه ۳» «خوش‌شانسی و بدشانسی اغلب تولید ذهن انسان هستند.»
۱) اصل / ۲) استراتژی، راه‌کار / ۳) تولید / ۴) احترام
۱۷۲۳. «گزینه ۱» «شرکت شیوه جدیدی را برای بازیافت تیرهای قدیمی به‌وجود آورده است.»
۱) به‌وجود آوردن / توسعه‌دادن / ۲) کشف کردن / ۳) درمان کردن / ۴) تشخیص دادن
۱۷۲۴. «گزینه ۴» «فهمیدیم که داستان‌هایی را که برای ما از خدمت سربازیش تعریف کرده است، از خودش درآورده بود.»
۱) توسعه‌دادن / ۲) دریافت کردن / ۳) نام‌بردن / ۴) ابداع کردن / از خود درآوردن
۱۷۲۵. «گزینه ۳» «بین فرهنگ‌های شرق و غرب تضاد آشکاری وجود دارد.»
۱) راه‌حل / ۲) مجموعه / ۳) تضاد / ۴) اختراع
۱۷۲۶. «گزینه ۱» «برای او آشکار بود که هر چیز شگفت‌انگیزی، نمی‌تواند به طور تصادفی شکل گرفته باشد.»
۱) شگفت‌انگیز / ۲) لذت‌بخش / ۳) صلح‌جویانه / ۴) کمک‌کننده
۱۷۲۷. «گزینه ۲» «برنامه اردو شامل کوهنوردی، شنا و فعالیت‌های تفریحی است.»
۱) وظایف / ۲) فعالیت‌ها / ۳) استراتژی‌ها، راه‌کارها / ۴) هویت‌ها
۱۷۲۸. «گزینه ۴» «متنفر بودیم که با خاله‌مان بمانیم زمانی که بچه بودیم، چون خیلی سختگیر بود.»
۱) اهدا کردن / ۲) احترام گذاشتن / ۳) فریادزدن / ۴) متنفر بودن
۱۷۲۹. «گزینه ۳» «برای بچه‌هایم بازی ویدیویی جدید خریدم، ولی نمی‌دانم چگونه آن را روی کامپیوترم نصب کنم.»
۱) اختراع کردن / ۲) ترجمه کردن / ۳) نصب کردن / ۴) ساختن

۱۷۳۰. **گزینۀ ۱** «گفته شده است که خانه قدیمی یک میراث ملی است. به دلیل اهمیت تاریخی آن.»
 (۱ میراث / ۲ الهام / ۳ مجموعه / ۴ نسل)
۱۷۳۱. **گزینۀ ۴** «مجموعه جدید لباس‌های تابستانی زنانه رالف لارن. مطمئناً موفقیتی در شوهای مد این بهار است.»
 (۱ نام‌بردن / ۲ راه‌حل / ۳ کاربرد / ۴ مجموعه)
۱۷۳۲. **گزینۀ ۲** «ترکیب این سه نقاشی روی دیوار خیلی خوشایند است.»
 (۱ ترجمه / ۲ ترکیب / ۳ آفرینش / ۴ اختراع)
۱۷۳۳. **گزینۀ ۳** «آن‌ها عقاید مشخصی در مورد چگونگی بزرگ کردن بچه‌ها دارند.»
 (۱ مراقبت کردن از / ۲ بلندشدن / ۳ بزرگ کردن / ۴ پیاده‌شدن)
۱۷۳۴. **گزینۀ ۱** «یونانی‌های باستان معتقد بودند که موسیقی دارای کیفیت‌های اخلاقی است و می‌تواند روی شخصیت و رفتار فرد تأثیر بگذارد.»
 (۱ اخلاقی / ۲ معمولی / ۳ بامعنی / ۴ سپاسگذار)
۱۷۳۵. **گزینۀ ۳** «شرکت می‌خواست برای یک هتل جدید ملکی را خریداری کند. ولی صاحبان آن مشتاق به فروش آن نبودند.»
 (۱ لذت‌بخش / ۲ سخاوتمند / ۳ مشتاق / ۴ معمولی)
۱۷۳۶. **گزینۀ ۲** «او تلاش کرده است تا راه‌حل صلح‌آمیزی را برای تنش‌های آساتیا پیدا کند.»
 (۱ پشیمان / ۲ صلح‌آمیز / ۳ مراقب / ۴ بامعنی)
۱۷۳۷. **گزینۀ ۴** «خیلی از تاجران موفق اصول کمی دارند، وقتی موقع پول درآوردن می‌شود.»
 (۱ کمیت / ۲ توصیف / ۳ توافق / ۴ اصول)
۱۷۳۸. **گزینۀ ۱** «پاسپورت‌ها و گواهی تولدها به‌عنوان سندی برای اثبات هویت هر شخص استفاده می‌شوند.»
 (۱ هویت / ۲ ابزار / ۳ شکست / ۴ نتیجه)
۱۷۳۹. **گزینۀ ۳** «باید به بانکتان سریع اطلاع بدهید، اگر کارت اعتباری شما گم یا دزدیده شده است.»
 (۱ تأسیس کردن / ۲ تهیه کردن / ۳ اطلاع‌دادن / ۴ درمان کردن)
۱۷۴۰. **گزینۀ ۲** «شغل شما شرکت کردن در جلسه و گزارش‌دادن به هیئت مدیره است.»
 (۱ جواب‌دادن / ۲ شرکت کردن / ۳ کشف کردن / ۴ متضادبودن)
۱۷۴۱. **گزینۀ ۴** «جرج واشنگتون کارور گفت که که نود و نه درصد شکست‌ها به افرادی برمی‌گردد که عادت دارند بهانه بگیرند.»
 (۱ بیماری‌ها / ۲ توافق / ۳ وظایف / ۴ شکست‌ها)
۱۷۴۲. **گزینۀ ۱** «کشور نروژ به‌طور عمده یکی از بهترین کشورها برای زندگی به‌شمار می‌آید. برطبق گزارش سالانه سازمان ملل متحد.»
 (۱ به‌شمار آمدن / ۲ تولید کردن / ۳ محافظت کردن / ۴ تلاش کردن)
۱۷۴۳. **گزینۀ ۴** «تعداد کمی از پزشکان متعهد سال‌ها جنگیده‌اند (تلاش کرده‌اند) تا این حرفه را آموزش بدهند.»
 (۱ بامعنی / ۲ کمک‌کننده / ۳ مناسب / ۴ متعهد)
۱۷۴۴. **گزینۀ ۳** «رئیس خیلی سرش شلوغ است؛ بنابراین امروز فقط می‌تواند دقایق کمی را برای صحبت با شما اختصاص بدهد.»
 (۱ درمان کردن / ۲ مکت کردن / ۳ اختصاص‌دادن / ۴ نام‌بردن)
۱۷۴۵. **گزینۀ ۲** «با شگفتی تمام، او احساس اضطراب نمی‌کرد یا در مورد اقداماتش پشیمان نبود.»
 (۱ قدردان / ۲ پشیمان / ۳ کمک‌کننده / ۴ صلح‌طلب)
۱۷۴۶. **گزینۀ ۴** «ستارگان روشن به سادگی روشن به نظر می‌رسند؛ چون چشمان ما انرژی بیشتری را هر ثانیه از آن‌ها نسبت به ستارگان ضعیف دریافت می‌کند.»
 (۱ تشخیص‌دادن / ۲ تهیه کردن / ۳ تأسیس کردن / ۴ دریافت کردن)
۱۷۴۷. **گزینۀ ۱** «محمد (ص) پیامبر اسلام به پیروانش گفت که با فقرا و افراد ضعیف مهربان و باسزاوت باشند.»
 (۱ باسزاوت / ۲ مشهور / ۳ مذهبی / ۴ شگفت‌انگیز)
۱۷۴۸. **گزینۀ ۳** «دکتر امیدوار بود که او را درمان کند. ولی بیمار مدت طولانی‌ای را برای معالجه منتظر ماند.»
 (۱ ساختن / ۲ بغل کردن / ۳ درمان کردن / ۴ اختراع کردن)
۱۷۴۹. **گزینۀ ۴** «بایتخت کشور جمهوری دومینکن را برادر کریستفر کلمب، بارتولوم تأسیس کرده بود.»
 (۱ دریافت کردن / ۲ تهیه کردن / ۳ ترکیب کردن / ۴ تأسیس کردن)
۱۷۵۰. **گزینۀ ۴** «نمی‌توانم باور کنم. او یک ساعت طولانی را سخنرانی کرد، و حتی برای نگاه کردن به یادداشتش مکت نکرد.»
 (۱ اطلاع‌دادن / ۲ ترجمه کردن / ۳ کشف کردن / ۴ مکت کردن)
۱۷۵۱. **گزینۀ ۱** «نسل‌های آینده مجبور خواهند بود تا با پیامدهای سبک زندگی اسراف‌ی ما زندگی کنند.»
 (۱ نسل‌ها / ۲ محل‌ها / ۳ مجموعه‌ها / ۴ استراتژی‌ها، راه‌کارها)
۱۷۵۲. **گزینۀ ۲** «بدون اطلاعات بیشتر نمی‌توانیم مقایسه معنی‌داری را بین دو سیستم داشته باشیم.»
 (۱ لذت‌بخش / ۲ معنی‌دار / ۳ مشتاق / ۴ بی‌شمار)
۱۷۵۳. **گزینۀ ۳** «یک ضرب‌المثل چینی است که می‌گوید جاده اصلی راه آسانی است، ولی همه مسیرهای فرعی را دوست دارند.»
 (۱ ساکت / ۲ معمولی / ۳ اصلی / ۴ مشتاق)
۱۷۵۴. **گزینۀ ۳** «در ژاپن، اجاق‌های گازی، بیشتر از اجاق‌های برقی ترجیح داده می‌شوند؛ چون گاز دماهای بالاتری را برای سرخ کردن غذا فراهم می‌کند.»
 (۱ دریافت کردن / ۲ متضادبودن / ۳ تهیه کردن / ۴ فراهم کردن / ۵ توسعه‌دادن)
۱۷۵۵. **گزینۀ ۴** «او با چندین نفر از همکارانش برای تمام کردن به‌موقع کار همراهی می‌کرد.»
 (۱ درضمن / ۲ نسبت به / ۳ به‌تنهایی / ۴ همراهی کردن)
۱۷۵۶. **گزینۀ ۲** «موس کامپیوتر به شما این اجازه را می‌دهد تا محل اشاره‌گر را روی صفحه کنترل کنید.»
 (۱ ترکیب / ۲ محل / ۳ راه‌حل / ۴ الهام‌بخش)
۱۷۵۷. **گزینۀ ۳** «این بازی به تولیدکردن هیجان برای مدتی طولانی ادامه خواهد داد.»
 (۱ اختصاص‌دادن / ۲ شرکت کردن / ۳ تولید کردن / ۴ ارزش‌گذاشتن)
۱۷۵۸. **گزینۀ ۱** «برای تو مقداری غذای انگلیسی و یک توصیف از چگونگی آماده‌سازی آن می‌فرستیم.»
 (۱ توصیف / ۲ شرایط / ۳ انتخاب / ۴ ارتباط)
۱۷۵۹. **گزینۀ ۳** «روزی معلم گفت که قدرت و نیروی یک کشور قطعاً به تعداد مردان و زنان خوب آن بستگی دارد.»
 (۱ نسل / ۲ شکست / ۳ تعداد / ۴ تولید)
۱۷۶۰. **گزینۀ ۴** «دانشمندان الگوهایی از اختلافات کوچک دی‌ان‌ای را که باعث تمایز یافتن انسان‌ها از هم می‌شوند، را طراحی می‌کنند.»
 (۱ ترجمه کردن / ۲ اختراع کردن / ۳ پرورش‌دادن / ۴ متمایزبودن)
۱۷۶۱. **گزینۀ ۱** «در طول یک هفته معمولی، می‌توانید انتظار داشته باشید تا در حدود ۴ الی ۵ ساعت را به انجام تکالیف خود اختصاص بدهید.»
 (۱ معمولی / ۲ سخاوتمند / ۳ مشهور / ۴ لذت‌بخش)
۱۷۶۲. **گزینۀ ۳** «می‌توانید وقتی چارلی را دیدید جلسه را به یاد او بیاورید؟ نمی‌خواهم فراموش کند.»
 (۱ مجموعه / ۲ راه‌حل / ۳ به‌یادآوردن / ۴ توسعه‌دادن)
۱۷۶۳. **گزینۀ ۲** «فرش، بافت ظریفی دارد و یک عمر دوام خواهد آورد.»
 (۱ مکت / ۲ بافت / ۳ تولید / ۴ راه‌حل)
۱۷۶۴. **گزینۀ ۴** «آقای نوریس گفت که امیدوار بود درخواستش موجب جواب مثبت شود.»
 (۱ تلاش کردن / ۲ حمایت کردن / ۳ کنترل کردن / ۴ موجب‌شدن)
۱۷۶۵. **گزینۀ ۲** «دو کشور توافق را در سال ۱۹۸۸ امضاء کردند تا مشترکاً در توسعه و راه‌اندازی ماهواره همکاری کنند.»
 (۱ نعمت / ۲ توافق / ۳ اصل / ۴ محل)

۱۷۶۶. «گزینۀ ۳» «فکر می‌کنم جلسه ساعت ۴ است، ولی مطمئن نیستم؛ بنابراین با سرپرستم چک می‌کنم و برای تأیید آن به شما تلفن می‌کنم.»
(۱) جایگزین کردن / (۲) تأسیس کردن / (۳) تأیید کردن / (۴) مکت کردن
۱۷۶۷. «گزینۀ ۴» «تغییر در رفتار او به‌طور واضح علامتی است که یک مشکل وجود دارد.»
(۱) روحی / (۲) عاطفی / (۳) رسم / (۴) علامت
۱۷۶۸. «گزینۀ ۱» «چراغ آویزان از سقف به‌طور نامشخصی روی کنده‌کاری چوبی کویس حرکت می‌کرد.»
(۱) به‌طور نامشخص / (۲) بی‌قیدوشرط / (۳) شگفت‌انگیز / (۴) با خونسردی
۱۷۶۹. «گزینۀ ۳» «باید تجهیزات را چک کنیم تا مطمئن شویم به‌درستی کار می‌کند.»
(۱) اشتباه کردن / (۲) روبه‌رو شدن / (۳) چک کردن / (۴) نشان دادن
۱۷۷۰. «گزینۀ ۳» «وضعیت پدربزرگ شما به‌خاطر عمل جراحی به‌طور مشخصی بهبود یافته است.»
(۱) محل / (۲) عقیده / (۳) وضعیت / (۴) احساس
۱۷۷۱. «گزینۀ ۲» «واقعاً با این قضیه راحت نیستم که به‌پچه‌های کوچک اجازه داده شود بازی‌های ویدئویی خشن انجام دهند.»
(۱) خوش‌شانس / (۲) راحت / (۳) بااحترام / (۴) ترسیده، وحشت‌زده
۱۷۷۲. «گزینۀ ۴» «یک ضرب‌المثل عربی است که می‌گوید هرچقدر به‌ندرت به دیدار دوستان بروی، بیشتر مورد علاقه خواهی بود.»
(۱) به‌طور صحیح / (۲) دقیقاً / (۳) به‌خوبی / (۴) به‌ندرت
۱۷۷۳. «گزینۀ ۱» «مجبور هستیم تا نتایج هر سه بررسی خودمان را در یک جدول ترکیب کنیم تا در کلاس توضیح بدهیم.»
(۱) ترکیب کردن / (۲) به‌دست‌آوردن / (۳) انتظارداشتن / (۴) پذیرفتن
۱۷۷۴. «گزینۀ ۳» «در طول جنگ، زنان برای کار به کارخانه‌ها می‌رفتند تا جایگزین مردهایی باشند که داشتند می‌جنگیدند.»
(۱) جواب‌دادن / (۲) چک کردن / (۳) جایگزین کردن / (۴) دریافت کردن
۱۷۷۵. «گزینۀ ۲» «کارفرماها معمولاً ظرف پنج دقیقه تصمیم می‌گیرند که آیا کسی مناسب این شغل هست یا نه.»
(۱) روحی / (۲) مناسب / (۳) عاطفی / (۴) محلی
۱۷۷۶. «گزینۀ ۴» «هر شرکتی می‌تواند تا از رویکردهای تبلیغاتی خود حمایت کند.»
(۱) تأسیس کردن / (۲) حمل کردن / (۳) اتفاق افتادن / (۴) حمایت کردن
۱۷۷۷. «گزینۀ ۱» «او لایق از دست‌دادن شغلش بود. او در حقیقت از شرکت دزدی می‌کرد.»
(۱) لایق بودن / (۲) موافق بودن / (۳) شکستن / (۴) مقایسه کردن
۱۷۷۸. «گزینۀ ۳» «سر کار کمی با رئیس مشکل داشتیم، ولی مطمئنم که می‌توانم وضعیت را کنترل کنم.»
(۱) سپری کردن / (۲) بررسی کردن / (۳) کنترل کردن / (۴) آماده کردن
۱۷۷۹. «گزینۀ ۲» «مردم هلند از سربازان کانادایی خیلی قدردان هستند که به آزادی کشورشان در جنگ جهانی دوم کمک کردند.»
(۱) موفق / (۲) قدردان / (۳) خوشحال / (۴) امیدوار
۱۷۸۰. «گزینۀ ۲» «در تعجب هستم در این کشور غریب بدون کمک مهربانانه شما چه کار می‌کردم.»
(۱) فرض کردن / (۲) در تعجب بودن / (۳) ترجیح دادن / (۴) متفریب بودن
۱۷۸۱. «گزینۀ ۴» «قطعاً حرف‌های او نامفهوم بود. هنگامی که به زبانی صحبت می‌کرد که با آن آشنایی نداشتیم.»
(۱) مغرور / (۲) ماهر / (۳) تک‌زبان / (۴) غیر قابل فهم
۱۷۸۲. «گزینۀ ۱» «آموزشی که فراتر از حد دبیرستان ارائه می‌شود به‌ویژه در دانشگاه یا دانشکده، تحصیلات دانشگاهی نامیده می‌شود.»
(۱) عالی / دانشگاهی / (۲) خلاق / (۳) پیشرفته / (۴) متوسطه
۱۷۸۳. «گزینۀ ۳» «پلیس تلاش کرد که جمعیت زیاد طرفداران را که هنرمند معروف را احاطه کرده بودند، کنترل کند.»
(۱) جست‌وجو کردن / (۲) جذب کردن / (۳) احاطه کردن / (۴) شناسایی کردن
۱۷۸۴. «گزینۀ ۴» «سیستم جاده‌ای به‌قدری پیچیده بود که مجبور شدیم چندین بار توقف کنیم تا بفهمیم که در مسیر درست رانندگی می‌کنیم.»
(۱) مضر / (۲) نامرئی / (۳) سنتی / (۴) پیچیده

۱۷۸۵. «گزینۀ ۳» «یک تابلوی هشداردهنده بزرگی روی دیوار بود که نوشته بود: پارک ممنوع.»
(۱) برنامه / (۲) فضا / (۳) تابلوی هشداردهنده / (۴) اختصار
۱۷۸۶. «گزینۀ ۱» «اگر صرفاً تعداد بسیاری از افراد را در نظر بگیرد که به دنبال یک شغل در جای دیگرند و دارند شهر را ترک می‌کنند، ممکن است به این نتیجه برسید که شهرمان آینده‌ای ندارد.»
(۱) در نظر گرفتن / (۲) پیشنهاد دادن / (۳) فرض کردن / (۴) توقع داشتن
۱۷۸۷. «گزینۀ ۴» «جای تعجبی نیست که «نیل» از آن دوره آموزشی چیزی یاد نگرفت؛ او در کلاس‌ها به‌طور منظم حاضر نشد.»
(۱) واقعاً / (۲) ضرورتاً / (۳) به لحاظ عاطفی / (۴) به‌طور منظم
۱۷۸۸. «گزینۀ ۴» «والدین اغلب اهمیت صحبت کردن با یک کودک را فراموش می‌کنند و من فکر می‌کنم که فقدان ارتباط بین این دو نسل، باعث مشکل‌تر شدن درک خواهد شد.»
(۱) سنت‌ها و رسوم / (۲) تنوع و گوناگونی‌ها / (۳) ترکیبات / (۴) نسل‌ها
۱۷۸۹. «گزینۀ ۱» «این دفعه برنده نشدیم، ولی ناامید نشدیم و منتظر جنگیدن در روز دیگر هستیم.»
(۱) جنگیدن / (۲) بالا بردن / (۳) از دست دادن / (۴) دفاع کردن
۱۷۹۰. «گزینۀ ۳» «از پلیس خواسته می‌شود که برای جلوگیری از تصادفات جاده‌ای بیشتر اقدام فوری انجام دهد.»
(۱) نجات دادن / (۲) دفاع کردن / (۳) جلوگیری کردن / (۴) احاطه کردن

متن کلوز ۱

داستان زبان باید با داستان اینکه انسان چه‌طور اولین بار صحبت کردن را آموخت، شروع شود؛ اما البته هیچ‌کس نمی‌داند. ما می‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که هیچ نفر واحدی زبان را اختراع نکرد. هیچ‌یک از انسان‌های اولیه ناگهان به فکر ساختن لغات و جملات نیفتادند و سپس به دیگران یاد ندادند که این‌گونه صحبت کنند. زبان احتمالاً آرام‌آرام شکل گرفته است. شاید اولین کلمات چیزهایی مثل «اه» یا «یوهو» بودند که برای فرستان پیغام به دیگران استفاده می‌شدند. کم‌کم این کلمات ساده به یک سیستم پیچیده تبدیل شدند.

۱۷۹۱. «گزینۀ ۲» عبارت quite sure به معنای «کاملاً مطمئن» است.

۱۷۹۲. «گزینۀ ۴»

۱۷۹۳. «گزینۀ ۲» another (دیگر) با اسم قابل شمارش مفرد و other (دیگر) با اسم قابل شمارش جمع به‌کار می‌رود. another می‌تواند ضمیر هم باشد و بدون اسم هم به کار برود؛ اما other نمی‌تواند و شکل ضمیری آن others است. ضمناً «اسم + the other» یعنی «آن یکی دیگر از دو تا» و the others یعنی «سایر اشخاص، سایر چیزها»

۱۷۹۴. «گزینۀ ۱»

۱۷۹۵. «گزینۀ ۱» کلمه such as به معنای «مانند» است.

متن کلوز ۲

با رفتن به کالج شما می‌توانید مدرک بالاتری بگیرید. به‌طور کلی، شما باید هجده‌سال یا بیشتر سن داشته باشید تا وارد آموزش عالی شوید، یعنی اول تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تکمیل کرده باشید. معمولاً نوعی گزینش استفاده می‌شود. مثلاً آزمون‌ها، گاهی هیچ گزینشی وجود ندارد. بعضی از دانشگاه‌های آزاد افراد مسن را به ثبت‌نام تشویق می‌کنند، چه در مدرسه خوب بوده یا نبوده باشند. اهمیت آموزش عالی در جامعه براساس هر کشور تغییر می‌کند. مثلاً در بسیاری از کشورها دانش آموز به دانشگاه می‌رود تا یک گواهی‌نامه / دیپلم برای کار به دست بیاورد؛ اما همچنین دانشگاه، گاهی زمانی است که در حین آن دانشجو یاد می‌گیرد که مستقل باشد. دانشجویان همچنین یاد می‌گیرند تا با افرادی با ریشه‌های (اصالت‌های) گوناگون آمیخته شوند و اینکه به‌عنوان یک فرد رشد کنند.

۱۷۹۶. «گزینۀ ۲» نیاز به مجهول زمان حال ساده داریم.

۱۷۹۷. «گزینۀ ۴»

۱۷۹۸. «گزینۀ ۱»

۱۷۹۹. «گزینۀ ۱»

۱۸۰۰. «گزینۀ ۳» نیاز به حرف ربط and داریم.

متن کلاوز ۳

سرنام‌ها، به عبارت دیگر کلماتی مثل رادار و یونیسف، به وسیلهٔ استفاده از حروف یا بخش‌های آغازین سایر کلمات ساخته می‌شوند. سرنام‌ها به ویژه در زمینه‌های علمی و فنی استفاده شده‌اند. پیشرفت در تحقیقات علوم الکترونیک و فضا، مفاهیم و دستگاه‌های جدیدی را حاصل آورده (ایجاد کرده) است که به وسیلهٔ کوتاه کردن اسامی توصیفی و طولانی آن‌ها به سادگی قابل فهم هستند. سرنام‌ها از آنجایی که اغلب ساده‌تر از کلمات پیچیده به ذهن سپرده می‌شوند و به زبان می‌آیند، محبوب عامه هستند و لذا رساندن ایده‌ها به یکدیگر (از این طریق) ساده می‌شود؛ اگرچه گاهی استفاده از سرنام‌های ناآشنا ممکن است باعث سردرگمی گردد.

- ۱۸۰۱. گزینهٔ ۳) کلمهٔ particularly به معنای «به طور خاص و ویژه» است.
- ۱۸۰۲. گزینهٔ ۴) از زمان ماضی نقلی استفاده می‌شود.
- ۱۸۰۳. گزینهٔ ۱) صفت descriptive از اسم description میاد.
- ۱۸۰۴. گزینهٔ ۳) گزینهٔ ۳)
- ۱۸۰۵. گزینهٔ ۲) به علامت‌گذاری و ترجمهٔ جمله توجه کنید.

متن کلاوز ۴

مردم مدت‌های طولانی علاقه‌مند بوده‌اند که زبان واحدی داشته باشند که بتوان با آن در سراسر جهان سخن گفت. چنین زبانی می‌تواند به ارتقای سطح درک و احساسات بهتر بین ملت‌ها کمک کند. یک زبان جهانی همچنین روابط فرهنگی و اقتصادی بین کشورهای گوناگون را افزایش می‌دهد. در طی سال‌ها، حداقل ششصد زبان جهانی اختراع شده‌اند که از آن‌ها اسپرانتو موفق‌ترین زبان است. حدود ده‌میلیون نفر تاکنون این زبان را یاد گرفته‌اند.

- ۱۸۰۶. گزینهٔ ۲) گزینهٔ ۲)
- ۱۸۰۷. گزینهٔ ۴) فعل improve به معنای «بهبودبخشیدن» است.
- ۱۸۰۸. گزینهٔ ۱) لغت nation به معنای «ملت» است.
- ۱۸۰۹. گزینهٔ ۳) گزینهٔ ۳)
- ۱۸۱۰. گزینهٔ ۲) از زمان ماضی نقلی وقتی استفاده می‌کنیم که بخواهیم بگویم عملی از گذشته تا الان در جریان بوده است. ضمناً ساختار جمله مجهول است.

متن کلاوز ۵

سنگ‌های زیرزمینی در جزایر آتشفشانی اغلب بسیار داغ هستند. وقتی آب زیرزمینی به سنگ آتشفشانی داغ برخورد می‌کند، آب به جوش می‌آید. بخشی از این آب داغ به شکل بخار تخیر می‌شود و این بخار، آب داغ را به سمت بالا در هوا هل می‌دهد. وقتی این اتفاق می‌افتد، به آن آب داغ آفشان می‌گویند. ایسلند جزیره‌ای آتشفشانی با آفشان‌های متعدد است. ایسلند سرد است، اما حتی در زمستان، حوضچه‌های آب گرمی وجود دارند که مردم می‌توانند در آن شنا کنند. گیاهان در زمین گرم نزدیک آفشان‌ها به خوبی رشد می‌کنند.

- ۱۸۱۱. گزینهٔ ۲) گزینهٔ ۲)
- ۱۸۱۲. گزینهٔ ۲) گزینهٔ ۲)
- ۱۸۱۳. گزینهٔ ۴) گزینهٔ ۴)
- ۱۸۱۴. گزینهٔ ۳) ضمیر where به «مکان» اشاره می‌کند.
- ۱۸۱۵. گزینهٔ ۱) گزینهٔ ۱)

متن ۱

این روزها هم مردان و زنان در کشورهای صنعتی طولانی‌تر زندگی می‌کنند؛ هرچند زنان به‌طور متوسط طولانی‌تر زندگی می‌کنند. به‌طور کلی، آن‌ها می‌توانند شش یا هفت‌سال بیشتر از مردان زندگی کنند. دلیل این موضوع هم زیست‌شناسانه است و هم فرهنگی. عامل مهم زیستی که به طولانی‌تر زندگی کردن زنان کمک می‌کند در تفاوت هورمون‌های بین زنان و مردان است. هورمون‌ها مواد شیمیایی هستند که توسط بدن برای کنترل کارهای مختلف بدن تولید می‌شوند. در سنین بین ۱۲ و ۵۰ سال زنان هورمون‌هایی تولید می‌کنند که شامل باروری می‌شود. این هورمون‌ها همچنین اثر مثبتی روی قلب و جریان خون

دارند. در حقیقت، کمتر احتمال دارد که زنان فشارخون داشته باشند یا بر اثر حملهٔ قلبی بمیرند.

هورمون‌های زنانه همچنین بدن را به‌طریقی دیگر هم محافظت می‌کنند. آن‌ها (هورمون‌ها) به دفاع بدن از خودش در برابر انواع بیماری‌ها کمک می‌کنند. این بدان معنی است که به‌طور کلی زنان اغلب کمتر از مردان دچار بیماری می‌شوند. سرماخوردگی یک مثال خوب برای نشان دادن این موضوع است. به‌طور متوسط زنان کمتر از مردان سرما می‌خورند.

زنان‌های زنانه به زن‌ها کمک می‌کنند. دانشمندان هنوز مطمئن نیستند که زن‌ها چگونه بر روی پیرشدن تأثیر می‌گذارند، ولی آن‌ها معتقد هستند که زن‌ها این کار را می‌کنند. برخی معتقد هستند که سلول‌های یک زن کندتر از مردان پیر می‌شود. دیگران فکر می‌کنند که سلول‌های یک مرد خیلی سریع‌تر پیر می‌شوند. تحقیق اخیر امکان این دو موضوع را تأیید می‌کند.

- ۱۸۱۶. گزینهٔ ۲) هدف اصلی متن چیست؟
- ۱) جست‌وجوی دلایل برای یک حقیقت
- ۲) مقایسه و هم‌سنجی کردن دو چیز مختلف
- ۳) دنبال کردن خط تاریخی یک پیشرفت جدید
- ۴) نشان دادن نقش پیشرفت پزشکی در امید به زندگی افراد

- ۱۸۱۷. گزینهٔ ۲) چند عامل بیولوژیکی که بر طولانی بودن طول عمر زنان نسبت به مردها مؤثرند، در متن ذکر شده است؟
- ۱) یک / دو (۲ / سه / ۳ / چهار

- ۱۸۱۸. گزینهٔ ۳) هدف متن از مطرح کردن مثال در پاراگراف سوم چیست؟
- ۱) تأکید نقش بیماری‌ها در کاهش امید به زندگی افراد
- ۲) اثبات کردن این موضوع که هورمون‌ها می‌توانند بیشتر از دو طریق به زنان کمک کنند.
- ۳) تأیید این ادعای مبنی بر نقش هورمون‌های زنانه
- ۴) اشاره کردن به مهم‌ترین بیماری‌ای که بر زنان تأثیر می‌گذارد.

- ۱۸۱۹. گزینهٔ ۱) کدام یک از عبارات زیر به‌وسیلهٔ متن پشتیبانی می‌شوند؟
- ۱) همهٔ مردان عمر کوتاه‌تری نسبت به زنان ندارند.
- ۲) مردان سابقاً نسبت به زنان عمر طولانی‌تری داشتند، قبل از صنعتی شدن جهان.
- ۳) دانشمندان معتقدند که زن‌ها از هورمون‌ها مؤثرترند برای کمک به طول عمر زنان.
- ۴) دانشمندان با یکدیگر موافق هستند که چگونه زن‌ها باعث می‌شوند زن‌ها نسبت به مردان دیرتر پیر شوند.

متن ۲

گفته می‌شود که حدود ۴۰ درصد از جمعیت جهان از رسانه‌های جمعی استفاده می‌کنند و بسیاری از این کاربران میلیونی به رسانه‌های اجتماعی مراجعه می‌کنند تا سلب‌ریتی‌ها به آن‌ها در تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه چیزی بخزند و چه چیزهایی را دنبال کنند، کمک می‌کنند. بنابراین سلب‌ریتی چیست و ما چگونه می‌توانیم یکی از آن‌ها باشیم؟

یک سلب‌ریتی شخصی است که می‌تواند روی تصمیم‌های دنبال‌کنندگان تأثیر بگذارد. به‌خاطر روابطشان با مخاطبشان و دانش آن‌ها در یک زمینهٔ خاص. برای مثال مد، مسافرت یا فناوری. سلب‌ریتی‌ها اغلب افراد دنبال‌کنندهٔ بسیاری دارند که به دیدگاه‌های آن‌ها توجه بسیاری نشان می‌دهند. آن‌ها این قدرت را دارند تا باعث شوند افراد چیزی بخزند و سلب‌ریتی‌ها را بسیاری از شرکت‌ها به‌عنوان یک شیوهٔ مستقیم برای نفوذ در قلب مشتریان می‌بینند. برندها الان سلب‌ریتی‌های قدرتمندی را برای بازاریابی محصولاتشان طلب می‌کنند. با توجه به اینکه برخی از سلب‌ریتی‌ها درخواست ۲۵,۰۰۰ دلار برای هر پست اجتماعی دارند، این تعجب‌برانگیز نیست که افراد بسیاری علاقه‌مند هستند به اینکه خود سلب‌ریتی باشند. اگر شما یکی از آن‌ها هستید، پس در اینجا پنج نکته وجود دارد که چگونه این کار را انجام بدهید، اگر می‌خواهید یکی از آن‌ها باشید: اول، موقعیت مناسبان را انتخاب کنید. چه رشته‌ای هست که بیشتر در مورد آن می‌دانید؟ در مورد چه چیزی بیشتر احساس هیجان برای صحبت کردن دارید؟ رشته‌ای که بیشتر به آن علاقه دارید را پیدا کنید و آن را توسعه بدهید. بعد رسانهٔ موردنظر خود را انتخاب کنید و یک بیوگرافی جالب برای آن بنویسید. بسیاری از سلب‌ریتی‌ها این روزها وبلاگ‌نویس و وبلاگ‌نویس کوچک هستند. تصمیم بگیرید که کدام رسانه، مثل وبلاگ آنلاین، اینستاگرام یا اسنپ‌چت، بهترین راه برای

۱۸۲۷. **گزینه ۲** «کلمه they در پاراگراف دوم به سیستم‌های روشنایی اشاره دارد. (۱) لامپ‌ها (۲) سیستم‌های روشنایی (۳) مردم شامو (۴) دستگاه‌های رادیو و تلویزیون»

متن ۴

زبان، یکی از مهمترین توانایی‌های انسان است که او را از حیوانات متمایز می‌سازد؛ بنابراین نابودی زبان می‌تواند سؤال‌های بسیار جدی‌ای را از تاریخمان، انسانیت ما و شاید آینده برانگیزد. هر تحقیقی در مورد تاریخچه زبان نشان می‌دهد که زبان، مانند انسان‌ها در طول زمان رشد می‌کند. برطبق برخی از آمارها در حدود ۷۰۰۰ زبان در جهان موجود است. این تعداد نشان‌دهنده تنوع و گستره تجربه انسان در سرتاسر جهان است؛ ولی نکته‌ای که در اینجا وجود دارد، این است که همه این زبان‌ها به‌طور مساوی رونق ندارند. در واقع برخی از زبان‌ها قدرتمند و پررونق هستند، در حالی که تعدادی از آن‌ها دوره انقراض و از بین رفتن را سپری می‌کنند. این تحقیق نشان می‌دهد که زبان‌ها به سرعت در حال طی دوره انقراض خود هستند. برخی معتقدند که تا سال ۲۱۰۰ شاید به‌طور متوسط بیش از ۹۰٪ این زبان‌ها دیگر صحبت نخواهد شد. اگر این درباره زندگی گیاهی یا وال‌ها و دلفین‌ها بود، افراد بسیاری نگران می‌شدند و درخواست می‌کردند تا این دوره بدشمنی متوقف شود. به‌طور شگفت‌آوری در مورد این اتفاق وحشتناک علاقه‌ای وجود ندارد. وقتی یک زبان منقرض می‌شود، چه چیزی از دست می‌رود؟

۱۸۲۸. **گزینه ۱** «موضوع این متن چیست؟ (۱) نابودی زبان (۲) چگونه زبان‌ها منقرض می‌شوند؟ (۳) مقایسه زبان‌های مدرن و قدیمی (۴) تفاوت اصلی بین انسان‌ها و حیوانات»

۱۸۲۹. **گزینه ۳** «چرا نویسنده زبان‌ها و انسان‌ها را در جمله دوم مقایسه می‌کند «هر تحقیقی در مورد تاریخچه زبان ...»؟ (۱) چون زبان‌ها توسط انسان‌ها صحبت می‌شوند. (۲) چون هم زبان‌ها و هم انسان‌ها تاریخ دارند. (۳) چون هم زبان‌ها و هم انسان‌ها در طول زمان یکسان و بی‌تغییر باقی نمی‌مانند. (۴) چون زمانی که زبان‌ها از بین می‌روند، انسان‌ها دانش و تجربه‌شان را که از طریق زبان جمع کرده‌اند از دست می‌دهند.»

۱۸۳۰. **گزینه ۲** «عبارت «این زبان‌ها» به چه چیز اشاره دارد؟ (۱) زبان‌های قدرتمند و پررونق (۲) زبان‌هایی که دارند خیلی سریع منقرض می‌شوند. (۳) زبان‌هایی که تا سال ۲۱۰۰ باقی می‌مانند. (۴) ۷۰۰۰ زبانی که هنوز در جهان صحبت می‌شوند.»

۱۸۳۱. **گزینه ۴** «متن احتمالاً با این بحث ادامه می‌یابد که (۱) دلایلی که چرا زبان‌ها منقرض می‌شوند. (۲) برای جلوگیری از انقراض یک زبان چکار باید کرد. (۳) چرا افراد در مورد مرگ تدریجی زبان‌ها نگران هستند. (۴) انقراض زبان، علاوه بر خود زبان، باعث می‌شود چه چیزی را از دست بدهیم.»

متن ۵

بافت فرهنگی همچنین می‌تواند روی امید به زندگی مردان و زنان تأثیر بگذارد. (امید به زندگی انتظار طول عمر زندگی شخص است). برای مثال زنان به‌طور کلی کمتر از مردان سیگار می‌کشند که چرایی بسیاری از مشکلات سلامت و زندگی‌های کوتاه را به اثبات رسانده است. عامل دیگری که روی زندگی زنان اثر دارد عدم استرس است. استرس عامل مطرح در کوتاهی زندگی است. تا الان زنان که معمولاً کار می‌کردند، مسئولیت کمتر و وضعیت پراسترس کمتری داشتند. در خانه، کار خانگی زنان را در وضعیت فیزیکی بهتری نسبت به مردان قرار می‌دهد. این وضعیت فیزیکی بهتر به طور کلی عاملی دیگر در طول زندگی زنان است. این عوامل فرهنگی نقش مهمی را برای زنانی که دارند پیر می‌شوند، بازی می‌کند. ولی عادت‌های اجتماعی زنان در حال تغییر هستند. زنان جوان بیش از زنان گذشته سیگار می‌کشند. زنان بیشتری الان دارند کار می‌کنند و مسئول حفظ کردن شرایط هستند. این تغییرات به این معنا است که بافت فرهنگی دیگر به سالم‌تر زندگی کردن زنان کمکی نمی‌کند؛ هرچند که زنان همچنان از مردان طولانی‌تر زندگی می‌کنند به‌خاطر عوامل مشخص دیگر.

ارتباط با دنبال‌کنندگان و صحبت کردن با آن‌ها در مورد جایگاهتان است. زمانی که آن را تمام کردید، یک بیوگرافی جذب‌کننده بنویسید که شما و رشته تخصص شما را به‌طور جالب و منحصربه‌فرد توضیح بدهد. مطمئن شوید که افرادی که بیوگرافی شما را می‌خوانند، شما را دنبال کنند.

۱۸۲۰. **گزینه ۱** «موضوع اصلی پاراگراف سوم چیست؟ (۱) توضیح دادن اینکه سلبریتی چه کسی است. (۲) برای شناخت شیوه‌های جدید رسانه‌های اجتماعی (۳) کمک کردن به سلبریتی‌ها برای بهتر انجام دادن کارشان (۴) توضیح دادن اینکه چرا افراد پست‌های رسانه‌های اجتماعی را دنبال می‌کنند.»

۱۸۲۱. **گزینه ۲** «از متن می‌توان استنباط کرد که افراد زیادی دوست دارند سلبریتی شوند؛ زیرا با این روش آن‌ها می‌توانند (۱) دنبال‌کنندگان بسیاری داشته باشند. (۲) مقدار قابل توجهی پول درآورند. (۳) افزایش دانش‌شان در زمینه‌های مختلف (۴) کمک کردن به افراد برای گرفتن تصمیم درست در زندگی‌شان»

۱۸۲۲. **گزینه ۳** «براساس متن جایگاه (موقعیت) یک سلبریتی در چیست؟ (۱) دنبال‌کنندگانش (۲) شرکت‌هایی که برای آن‌ها کار می‌کند. (۳) رشته‌ای که در آن دانش دارد. (۴) پست‌های اجتماعی‌اش به‌عنوان یک سلبریتی»

۱۸۲۳. **گزینه ۴** «کدام یک از موارد زیر به عنوان یک رسانه در پاراگراف سوم ذکر نشده است؟ (۱) وبلاگ آنلاین (۲) اینستاگرام (۳) اسنپ‌چت (۴) بیو»

متن ۳

در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی بسیاری از روستاها در بخش‌هایی از آفریقا به سمت انرژی خورشیدی روی آوردند. در جایی که زندگی خیلی سخت بود به خاطر عدم وجود برق. شاید بزرگ‌ترین پروژه در طبیعت پروژه زیمبابوه باشد که مورد حمایت UNDP از طریق مرکز تسهیلات محیط‌زیست جهانی (GEF) است. برنامه به‌طور مشترک با سرمایه‌گذاری ۷ میلیون دلاری (GEF) و سرمایه‌گذاری ۴۰۰/۰۰۰ دلاری زیمبابوه، در حدود ۹۰۰۰ سیستم انرژی خورشیدی در سرتاسر کشور جهت افزایش استاندارد زندگی ساخته شد. که این همچنین آلودگی و کثیفی را کاهش می‌دهد. شامو که در ۷۰ کیلومتری از پایتخت زیمبابوه، هارار واقع شده، الان یکی از بهترین مدل‌های انرژی خورشیدی روستایی در کشور است. پنجاه و دو خانواده کشاورز سیستم‌هایی را سهیم می‌شوند. برای هر دو خانه یک سیستم موجود است. هر خانواده دو لامپ دارند و به یک رادیو یا دستگاه تلویزیون کوچک وصل هستند. این سیستم‌های جدید نور، کیفیت زندگی را برای جامعه بهبود بخشیده‌اند. آن‌ها ساعت‌های مطالعه را برای دانش‌آموزان افزایش داده‌اند و مهاجرت از روستا به شهر را در این ناحیه کاهش داده‌اند و استانداردهای سلامت را با برق‌دار کردن یک مرکز بهداشت محلی ارتقا داده‌اند.

۱۸۲۴. **گزینه ۲** «بهترین عنوان برای متن است. (۱) کشاورزان شامو در سیستم‌های خورشیدی سهیم می‌شوند. (۲) برنامه توسعه در زیمبابوه (۳) آینده انرژی خورشیدی آفریقا (۴) شیوه‌های جدید برای تولید انرژی»

۱۸۲۵. **گزینه ۳** «طبق متن، پروژه زیمبابوه (۱) در یک روستای خاص موفق بوده است. (۲) تنها توسط دولت زیمبابوه حمایت مالی شده است. (۳) استانداردهای زندگی روستاییان زیمبابوه را تحت تأثیر قرار داده است. (۴) راه طولانی‌ای دارد تا اثراتش در زندگی افراد دیده شود.»

۱۸۲۶. **گزینه ۴** «کدام یک از موارد زیر درباره «شامو» صحیح است؟ (۱) آن سابقاً مرکز بهداشت محلی نداشت. (۲) آن نزدیک‌ترین روستا به پایتخت زیمبابوه است. (۳) در ناحیه‌ای واقع شده که دسترسی به برق خیلی سخت است. (۴) با بعضی از سیستم‌های خورشیدی تجهیز شده که با خانواده‌های ساکن در آنجا با هم سهیم هستند.»

۱۸۳۲. **گزینه ۳** این متن به احتمال زیاد با یک مبحث درباره ادامه می‌یابد.
 (۱) چرا زنان دیگر مایل به در خانه ماندن و خانه‌داری نیستند.
 (۲) دلیل تغییر در فرهنگ کشورهای مختلف در سراسر جهان
 (۳) عواملی به جز عوامل فرهنگی در رابطه با عمر بیشتر زنان نسبت به مردان
 (۴) چقدر یک سبک زندگی سالم برای زنان و مردان در جهان در حال تغییر امروزی مهم است.
۱۸۳۳. **گزینه ۴** از متن می‌توان دریافت که نویسنده سیگارکشیدن را در نظر می‌گیرد.
 (۱) متداول‌تر در میان زنان نسبت به آنچه اکنون میان مردان وجود دارد
 (۲) در رابطه با میزان استرس در زندگی افراد
 (۳) برای زنان زیان‌بخش‌تر نسبت به مردان
 (۴) یک عادت مرتبط با فرهنگ

۱۸۴۶. **گزینه ۲** «زمانی که به گاوها نگاه می‌کنید، باید به یاد بیاورید که بزرگ‌ترین دانشمندان در جهان هرگز کشف نکرده‌اند که چگونه علف به شیر تبدیل می‌شود.»
 (۱) ترجمه کردن / ۲) کشف کردن / ۳) اختراع کردن / ۴) توسعه دادن
۱۸۴۷. **گزینه ۱** «مصریان باستان قلب را به عنوان مرکز هوش و احساس تلقی می‌کردند.»
 (۱) تلقی کردن / محسوب کردن / ۲) دریافت کردن / ۳) توصیه کردن / ۴) اهدا کردن

متن کلوز

- مانگا یک لغت ژاپنی است که برای کارتون یا کم‌دی (فکاهی) به کار می‌رود. در ژاپن مردم در هر سنتی این داستان‌ها را می‌دانند و حتی کافه‌های خاصی دارند که در آنجا مردم قهوه می‌خورند و مانگا می‌خوانند. انواع زیادی از مانگا را می‌توان در بازار یافت که شامل ماجراجویی، داستان‌های عشقی و غیره می‌باشند. کتاب‌ها و مجلات مانگا که به وسیله پسران ژاپنی خوانده می‌شود، بسیار متفاوت هستند از آن‌هایی که برای دختران نوشته می‌شوند. فروش مانگاها از سال ۱۹۵۰ در ژاپن رشد فراوانی داشته است. بیشتر مانگاها ژاپنی هنوز هم فقط سیاه و سفید می‌باشند. برخی مانگاها فکاهی بین‌المللی هم مانند قبل سیاه و سفیدند؛ ولی انواع رنگی آن‌ها معمولاً مشهورتر هستند.
۱۸۴۸. **گزینه ۳** (۱) در عوض / ۲) تقریباً / ۳) حتی / ۴) تاکنون
۱۸۴۹. **گزینه ۱** (۱) زیاد / ۲) هر / ۳) زیاد / ۴) بیشتر
 چون kind به صورت جمع استفاده شده باید از many که صفت برای اسم‌های قابل شمارش جمع است، استفاده کرد.
۱۸۵۰. **گزینه ۳** اگر بخواهیم از include به معنای مثل و مانند استفاده کنیم، باید به آن ing اضافه کنیم.
۱۸۵۱. **گزینه ۳** چون می‌خواهیم به مانگاها اشاره کنیم، پس باید از those که برای اشاره به اسامی جمع است، استفاده کنیم.
۱۸۵۲. **گزینه ۱** در ماضی نقلی که با فعل have grown مشخص شده است، باید قبل از عدد سال، از since استفاده کرد.

متن ۱

همیشه دوست داشتم تا یاد بگیرم که چطور برقصم. وقتی جوان‌تر بودم، عاشق این بودم که به دیسکو رفته و در مقابل آینه ساعت‌ها تمرین کنم و به حرکات خودم دقت کنم. من فکر می‌کنم که کاملاً خوب و عالی بودم، اما وقتی بزرگ‌تر شدم، اعتمادبه‌نفسم کمتر شد. به نازگی تصمیم گرفتم تا به کلاس رقص بروم؛ بزرگ‌ترین مشکل کلاس‌های رقص این است که شما باید زوجی داشته باشید، اما هیچ‌یک از پسران کلاس که از دوستانم هستند، تمایلی به آمدن به کلاس رقص نداشتند. دیگر تصمیم گرفته بودم تا از نظرم منصرف شوم که ناگهان متوجه یک مجله شدم که درباره رقص هندی بود. به نظر عالی می‌آمد و از همه بهتر اینکه نیازی هم به زوج نداشت (می‌توانستم خودم به تنهایی آن را انجام دهم)؛ بنابراین آدرس آن را از اینترنت پیدا کردم و در آن رشته ثبت‌نام کردم (جا رزو کردم). به نظر می‌آمد که برای شروع اولین جلسه بسیار عصبی بودم؛ اگرچه نیازی به نگرانی نبود؛ زیرا همه بسیار دوستانه رفتار می‌کردند. همه ما خانم بودیم، کوچک‌ترین فرد هجده‌ساله و بزرگ‌ترین فرد چهل و خرده‌ای سن داشت.

معلم وارد کلاس شد، در حالی که لباس سنتی رقص او بسیار به او می‌آمد (جالب بود) و خیلی زود انرژی و محبت او در ما تأثیر کرد. او آهنگی را که ترکیبی از آهنگ‌های پاپ غربی هماهنگ شده با آهنگ هندی بود، را گذاشت و ما حرکات او را انجام دادیم. همه اضطراب‌ها و حالت‌های عصبی خیلی زود از بین رفت؛ زیرا حرکات بسیار پیچیده بودند و زمانی نداشتیم تا نگران باشیم که آیا می‌توانیم آن را درست انجام دهیم یا نه. از زمانی که شروع به رقصیدن کردم، متوجه بسیاری از تغییرات در خودم شدم. خوش‌هیكل‌تر شدم و به خودم اطمینان بیشتری دارم. دوستان زیادی در کلاس پیدا کرده‌ام. اگر به رقصیدن علاقه‌مندید یا می‌خواهید خوش‌هیكل‌تر شوید، به شما رقص هندی را پیشنهاد می‌دهم.

۱۸۳۴. **گزینه ۱** از متن می‌توان فهمید که مردان می‌توانند شرایط فیزیکی خود را از طریق بهبود بخشند.
 (۱) خانه‌داری / ۲) محول کردن کارهای خود به زنان
 (۳) انجام کارهایی با مسئولیت بیشتر / ۴) مراقبت کردن از سلامتی خود
۱۸۳۵. **گزینه ۲** کدام عبارت زیر، براساس متن صحیح است؟
 (۱) زنان در گذشته سیگار نمی‌کشیدند؛ زیرا این کار یک عادت منفی از نظر اجتماعی بود.
 (۲) تفاوت در میزان امید به زندگی میان زنان و مردان به احتمال بسیار کمتر می‌شود.
 (۳) مشکلات سلامتی زنان و مردان به لحاظ علت و معلول آن‌ها شبیه است.
 (۴) اگر زنان دریافتند که مشکلات سلامتی آن‌ها به دلیل نقش‌های اجتماعی جدید آن‌ها است، عادات گذشته خود را تجدید خواهند کرد.
۱۸۳۶. **گزینه ۲** «در حالی که سنگ‌های جزیره ایلند بیش از ۶۵ میلیون سال قدمت ندارند، سنگ‌هایی متعلق به ۳٫۸ میلیارد سال در گرینلند پیدا شده است، در حدود ۱۸۵ مایل دورتر.»
 گزینه ۲ درست است، چون جمله مجهول است و پیداکنده سنگ یا فاعل مشخص نیست؛ پس با توجه به جمع بودن rocks فعل کمکی have می‌آید.
۱۸۳۷. **گزینه ۱** «دیگر آن کار را نکن، می‌توانی؟»
 برای جمله امری منفی در قسمت tag question فعل کمکی will می‌آید.
۱۸۳۸. **گزینه ۳** «جلسه در ساعت چهار است، مگر نه؟»
 در جمله خبری فعل کمکی is داریم که مثبت است؛ بنابراین در قسمت سؤال کوتاه باید منفی بیاید.
۱۸۳۹. **گزینه ۱** «این ترم چند هفته پیش شروع شد و از آن زمان مطالعه کردن را خیلی سخت شروع کرده‌ام.»
 برای پیوند دو جمله به هم از and استفاده می‌کنیم.
۱۸۴۰. **گزینه ۴** «رهبان تجاری با دولت تماس می‌گیرند تا مالیات‌ها را قطع کند، برای افزایش رشد اقتصاد.»
 (۱) اهدا کردن / ۲) سهیم شدن / ۳) محافظت کردن / ۴) افزایش یافتن
۱۸۴۱. **گزینه ۱** «گفته می‌شود که مردم فلات اسکاتلند دوست دارند زندگی را با آرامش و کم‌مشغله سپری کنند.»
 (۱) با آرامش / ۲) ناگهانی / ۳) امیدوارانه / ۴) بامهربانی
۱۸۴۲. **گزینه ۳** «خیلی مهم است که یک فرایند را یاد بگیرد تا به شما کمک کند که لغت جدید در متن را دریابد. (استنباط کنید)»
 (۱) معمولی / ۲) محل / ۳) مرحله، فرایند / ۴) شرایط
۱۸۴۳. **گزینه ۲** «به منظور فهمیدن یا شناخت زمینمان و فرایندهایی که روی آن مؤثر است، فرد باید تلاش کند تا مدت زمان میلیون‌ها سال را درک کند.»
 (۱) تولید کردن / ۲) تلاش کردن / ۳) اختصاص دادن / ۴) اطلاع دادن
۱۸۴۴. **گزینه ۱** «روزی او گفت که فقر راهی برای زندگی و فکر کردن است و نه فقط فقدان پول یا اشیا.»
 (۱) فاقد چیزی بودن، فقدان / ۲) برنامه / ۳) نتیجه / ۴) استراتژی، راه‌کار
۱۸۴۵. **گزینه ۴** «آن‌ها تأکید کردند که ابزارشان اهداف صلح‌آمیز دارد و نه نظامی.»
 (۱) کمک‌کننده / ۲) بامعنی / ۳) شگفت‌انگیز / ۴) صلح‌آمیز

۱۸۵۳. **گزینه ۳** مهم‌ترین هدف نویسنده از نوشتن این متن چیست؟
 (۱) بچگی خود را توصیف کند.
 (۲) بگوید که چطور سرگرمی مورد علاقه‌اش را شروع کرده.
 (۳) توضیح دهد که چرا رقص را دوست دارد.
 (۴) درباره افرادی که ملاقات کرده است، صحبت کند.
 در پاسخ به این سؤال باید توجه کرد که گزینه‌های «۱» و «۴» به دلیل بسیار جزئی بودن و حتی عدم توضیح کامل آن‌ها در متن نمی‌توانند هدف اصلی باشند. گزینه ۲ می‌تواند جواب صحیحی باشد؛ اما شروع سرگرمی او هدف نیست؛ بلکه اینکه چرا او رقص را دوست دارد، هدف اصلی محسوب می‌شود.
۱۸۵۴. **گزینه ۲** خواننده از نویسنده متن چه چیزی را یاد می‌گیرد؟
 (۱) او رقصنده هندی خوبی است.
 (۲) او از رقص لذت می‌برد.
 (۳) او دوست دارد موسیقی پاپ گوش کند.
 (۴) او دوست دارد تا خوش‌اندام باشد.
 گزینه «۴» به‌طور مجزا از مزیت‌های رقص است؛ اما کل مزیت آن نیست. در مورد گزینه «۳» صحبتی در متن نشده است؛ اما گزینه‌های «۱» و «۲» هر دو می‌توانند جواب باشند؛ با توجه به اینکه بیشتر متن در مورد علاقه او به رقص است، اما مستقیماً درباره خوب یا بد بودن رقص نویسنده صحبتی نشده، گزینه «۱» حذف می‌شود.
۱۸۵۵. **گزینه ۱** نویسنده در مورد خودش چه می‌گوید؟
 (۱) او همیشه به خود اعتماد نداشته است.
 (۲) از انجام کارهای جدید لذت نمی‌برد.
 (۳) او دوست دارد با انسان‌ها ملاقات کند.
 (۴) او بچه‌ای عصبی بود.
 برای این سؤال در پاراگراف یک در انتهای پاراگراف به *became less confident* اشاره دارد که جواب موردنظر ما می‌باشد. به گزینه «۲» و «۴» اشاره‌ای در متن نشده است و گزینه «۳» بعداً به وجود آمد.
۱۸۵۶. **گزینه ۳** نویسنده در مورد اولین کلاس رقص خود چه می‌گوید؟
 (۱) همه مشتاق رقص بودند.
 (۲) هیچ‌کس با دیگری صحبت نمی‌کرد.
 (۳) همه معلم را تحسین کردند.
 (۴) زمان زیادی صرف بحث در مورد حرکات شد.
 در این سؤال چون در پاراگراف «۳» می‌گوید همه *friendly* بودند، گزینه «۲» غلط است. در مورد گزینه «۴» صحبتی در متن نیست و در ابتدای پاراگراف «۴» همه از انرژی مثبت و لباس زیبای او می‌گویند؛ پس گزینه «۱» نیز غلط است.
- متن ۲**
 کشورهای صنعتی‌شده برای بیشتر انرژی‌های خود نیازمند و وابسته به سوخت‌های فسیلی (عمدتاً نفت، گاز و ذغال‌سنگ) هستند. نفت متداول‌ترین و شناخته‌شده‌ترین منبع انرژی می‌باشد که برای حمل آن می‌توان به سادگی اقدام کرد و فعلاً نسبتاً ارزان است. نفت تقریباً نیمی از نیازهای انرژی آمریکا و اروپای غربی را تأمین می‌کند. اگرچه اتحاد جماهیر شوروی بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان محسوب می‌شود، تقریباً ۶۰ درصد از ذخایر نفتی جهان در خاورمیانه واقع شده است که یک منطقه بی‌ثبات از لحاظ سیاسی نیز هست. خطرات وابستگی به خاورمیانه برای تأمین چنین کالای مهمی که در شکوفایی غرب نیز اثرگذار است، در سال ۱۹۷۳ واضح شد. وقتی قطع و وقفه تولید نفت، با هدف انگیزشی - سیاسی که به‌وسیله اعراب رخ داد، موجب بحران نفت و بالاتر رفتن سریع قیمت نفت‌شده و تهدیدی برای ثبات اقتصادی جهان شد؛ در نتیجه کشورهای غیرکمونستی واردکننده نفت، در یک‌سری از جلسات اجلاس سران موافقت کردند تا ضمن تلاش برای کمتر مصرف‌کردن سوخت و نفت به توسعه منابع جایگزین انرژی بپردازند.
۱۸۵۷. **گزینه ۲** کدام‌یک از موارد زیر به‌عنوان سوخت فسیلی در نظر گرفته نمی‌شود؟
 (۱) نفت / باد (۲) گاز / ذغال‌سنگ
 (۳) نفت / باد (۴) ذغال‌سنگ
۱۸۵۸. **گزینه ۳** چرا نفت متداول‌ترین صورت انرژی (منبع انرژی) می‌باشد؟ زیرا نفت است.
 (۱) انگیزشی و سیاسی / سیاسی و بی‌ثبات (۲) قابل‌حمل و ارزان / تهدیدکننده و اقتصادی

۱۸۵۹. **گزینه ۳** بهترین عنوان برای متن کدام است؟
 (۱) سوخت‌های فسیلی / ملت‌های صنعتی‌شده (۲) خاورمیانه و نفت / بحران انرژی (۳) سوخت‌های فسیلی / ملت‌های صنعتی‌شده (۴) خاورمیانه و نفت / بحران انرژی
 با توجه به اینکه باید یک عنوان، دربرگیرنده تمامی قسمت‌های متن باشد، نه فقط بخشی از آن، همچنین نباید فراتر از موضوع بحث رود؛ بنابراین گزینه «۱» انتخاب می‌شود؛ اما توجه کنید که گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» هر کدام در بخشی از متن به آن اشاره شده و جزئی از متن به حساب می‌آیند.
۱۸۶۰. **گزینه ۴** اولین نتیجه بحران نفتی چه بود؟
 (۱) ثبات اقتصادی / مصرف نفت (۲) مصرف نفت / صادرات نفت (۳) صادرات نفت / افزایش قیمت نفت (۴) ثبات اقتصادی / مصرف نفت (۲) مصرف نفت / صادرات نفت (۳) صادرات نفت / افزایش قیمت نفت
۱۸۶۱. **گزینه ۲** «زنی که آنجا ایستاده است، اهل پورتوریکو است.»
 بین انسان و فعل ضمیر موصولی *who* می‌آید؛ بنابراین گزینه «۲» جواب درست است.
۱۸۶۲. **گزینه ۱** «آیا می‌دانستی مردی که داشتی با او صحبت می‌کردی شوهر شریلی است؟»
 جمله در اصل «... speaking to» بوده است؛ ولی در جای خالی *to whom* می‌آوریم، چون حرف اضافه تنها می‌تواند قبل از *whom* و *which* بیاید، بنابراین *to whom* جواب درست است.
۱۸۶۳. **گزینه ۴** «شرلی در جلسه‌ای که دیروز بعد از ظهر برگزار شد، شرکت کرد.»
 در جای خالی به ضمیر موصولی نیاز است، با مقایسه گزینه‌ها فقط می‌شود *that* که به‌جای همه ضمیرهای موصولی استفاده می‌شود را آورد.
۱۸۶۴. **گزینه ۳** «خانه قدیمی که سقش هم خیلی قدیمی است، نیاز به تعمیر زیادی دارد.»
 بعد از اسم مالک، ضمیر موصولی *whose* می‌آید، بنابراین گزینه «۳» جواب درست است.
۱۸۶۵. **گزینه ۲** «آژانس‌های اجتماعی مجبور خواهند بود تا خانه‌های موقتی برای کودکانی که والدینشان به طور جدی صدمه دیدند، پیدا کنند.»
 در جای خالی ضمیر موصولی *whose* می‌آید؛ چون بچه‌ها در اینجا اسم مالک هستند.
۱۸۶۶. **گزینه ۱** «اگر تمرکز می‌کردم، فهمیدن این صفحه اینقدر سخت نبود.»
 در قسمت جمله شرط فعل گذشته ساده است، بنابراین در طرف دیگر «مصدر بدون *to + would*» می‌آید.
۱۸۶۷. **گزینه ۳** «اگر امروز هوا خراب نبود، می‌توانستیم در پارک جشن بگیریم.»
could + have در قسمت جواب شرط، نشان‌دهنده شرطی نوع دوم است؛ بنابراین در قسمت جمله شرط باید فعل زمان گذشته ساده باشد. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که فعل *be* در شرطی نوع دوم چه برای ضمیر مفعولی مفرد چه جمع، اغلب *were* است.
۱۸۶۸. **گزینه ۲** «اگر باران نمی‌بارید، علف‌های پارک خیس نمی‌شدند.»
 در قسمت جمله شرط زمان فعل، گذشته ساده است؛ بنابراین جمله شرطی نوع دوم است و باید در جواب شرط «مصدر بدون *to + would*» بیاید.
۱۸۶۹. **گزینه ۲** «اگر بتوانی فردا به هر جایی در جهان بروی، کجا خواهی رفت؟»
 در قسمت جمله شرط فعل گذشته است؛ بنابراین در قسمت جواب شرط *would* می‌آید.
۱۸۷۰. **گزینه ۴** «اگر خیلی دور از دانشگاه زندگی نمی‌کردم، می‌توانستم تا آنجا پیاده بروم.»
 در قسمت جمله شرط باید زمان گذشته ساده بیاید؛ چون در قسمت جواب شرط «مصدر بدون *to + could*» آمده است؛ بنابراین جمله شرطی نوع دوم است.
۱۸۷۱. **گزینه ۳** «اگر معلم داشت برنامه‌ریزی می‌کرد تا به کشور من سفر کند، من او را راهنمایی می‌کردم تا یک نقشه خوب، یک دوست خوب و پول کافی با خود ببرد.»
 در طرف جمله شرط *were planning* داریم؛ بنابراین جمله شرطی نوع دوم است و باید در قسمت جواب شرط «مصدر بدون *to + would*» بیاید.
۱۸۷۲. **گزینه ۴** «به هرکدام از بچه‌هایی که نقاشی‌هایشان برنده شد، یک هدیه ۱۰ پوندی داده شد.»